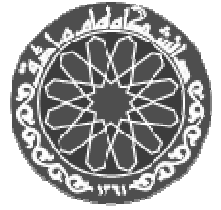


انجمن علمی دانشجویان معارف اسلامی و حقوق دانشکده امام صادق علیه السلام



دانشگاه امام صادق علیه السلام

حقوق تجارت ۵

اسناد تجاری بر اساس مقررات بین‌المللی

مقطع کارشناسی ارشد

دکتر فخاری

انجمن علمی دانشجویان دانشکده معارف اسلامی و حقوق
دانشگاه امام صادق علیه السلام

۲	اسناد تجاری بر اساس مقررات بین‌المللی
۸	شرایط اساسی صحت برات
۲۵	مبحث دوم: ظهرنویسی (Endossement)
۴۸	مبحث دوم: در قبول و نکول
۶۱	فصل چهارم: در ضمانت
۶۷	فصل پنجم: در سررسید
۷۴	فصل ششم: در پرداخت
۸۰	فصل هفتم: حق مراجعه در مور نکول یا عدم تأدیه
۸۵	اطلاعیه
۱۰۰	۲. قبولی برات به وسیله شخص ثالث
۱۰۳	۳- پرداخت برات به وسیله شخص ثالث
۱۰۷	فصل نهم: در تعدد نسخ و کپی‌ها
۱۱۰	کپی‌ها (رونوشت‌ها)
۱۱۲	فصل دهم: در تغییرات
۱۱۳	فصل یازدهم: در مرور زمان
۱۱۴	فصل دوازدهم: مقررات کلی

اسناد تجاری بر اساس مقررات بین‌المللی

در زمان ما پول وسیله عملی، مطمئن و ایمن برای پرداخت نیست. شاید برای پرداخت‌های جزئی و کم اهمیت اشخاص از پول استفاده کنند. ولی تجاری که به طور مستمر دریافت و پرداخت دارند مسلماً این پرداختها به وسیله پول نیست، بلکه به وسیله اسناد تجاری دریافت می‌کنند و پرداخت می‌کنند.

حتی وصول اسناد تجاری هم به وسیله بانکهای آنها صورت می‌گیرد. بنابراین وقتی این اسناد (چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی) مورد استفاده قرار می‌گیرد ضرورت مطالعه اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی حاکم بر اسناد تجاری احساس می‌شود.

در اینجا ما به بررسی اسناد بین‌المللی در خصوص اسناد تجاری می‌پردازیم. در تجارت بین‌المللی معمولاً طرفین قرارداد در دو کشور مختلف اقامت دارند. معاملات بین تجار به صورت غیرنقدی (مدت‌دار* است. سندی تجاری مثلاً برات در انگلستان بر عهد براتگیری در بلژیک صادر می‌شود به نفع فردی که مقیم هلند است. توسط فردی که مقیم لوکزامبورگ است ظهنویسی می‌شود و ... ممکن است هر یک از این افراد دارای ضامن هم باشند.

تمام امضاءکنندگان اسناد تجاری در مقابل دارنده سند مسئولیت تضامنی دارند. امضاءکنندگان دارای تعهداتی و دارنده برات دارنده حقوقی است. ضروری است که مقررات یکنواختی بر این برات حاکم بشود تا دارنده برات حقوق خود را بشناسد. باید مشخص باشد این برات که در لوکزامبورگ ظهنویسی شده آیا این ظهنویسی در آن کشور معتبر است و ...

اگر مقررات یکنواختی حاکم باشد دارندة برات می‌تواند حقوق و تکالیف خود را بشناسد و گونه تطبیق و بررسی قوانین کشورهای مختلف غیرممکن است.

بر همین مبنا با توجه به ضرورت تهیه و تدوین مقررات متحدالشکل جهت اسناد تجاری از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ تلاش‌هایی جهت تدوین این مقررات انجام گرفت.

جنگ جهانی اول این تلاش‌ها را متوقف کرد. ولی در سال ۱۹۳۰ سه کنوانسیون راجع به برات و سفته در ژنو به تصویب رسید. با بررسی این کنوانسیون‌های مشخص می‌گردد این کنوانسیون‌ها از بهترین مقررات بین‌المللی است.

کنوانسیون اول ۱۹۳۰ راجع به برات و سفته دارای دو ضمیمه است: (Annex)

• ضمیمه اول حاوی کلیه مقررات راجع به بارت و سفته است.

• ضمیمه دوم حاوی رزروهاست. کشورهای جهان تابع نظام‌های حقوقی متفاوتی هستند.

در این نظام‌های حقوقی گاهی اختلاف دید بسیار زیاد است. لذا تدوین مقررات صد در صد یکنواخت در امور حقوقی کاری است غیرممکن یا بسیار دشوار. بسیاری کنوانسیون‌های حقوقی دارای مواد اندکی است یعنی فقط در این موارد بین کشورها توافق حاصل شده است.

در چنین شرایطی بهتر است که موارد مورد توافق در کنوانسیون قید گردد. و موارد اختلافی به صورت رزرو بیان گردد و کشورهای مختلف می‌توانند به سلیقه خود در این رزروها تغییراتی اعمال نمایند.

از جمله رزروهای کنوانسیون اول ژنو، تئوری محل می‌باشد. تئوری محل کاملاً فرانسوی است و فرانسوی‌ها بسیار سعی کردند آن را وارد کنوانسیون نمایند. از سوی دیگر آلمانی‌ها مخالف تئوری محل

بودند و عقیده داشتند اسناد تجاری اسناد مجرد (آبستره) می‌باشند و کاملاً فارغ از روابط مبنایی بین طرفین می‌باشد. سند تجاری قطع از نظر از روابط مبنایی معتبر می‌باشد.

لذا موضوع محل برات در رزروها قید شد و اعلام شد هر کشوری می‌تواند در خصوص محل برات تئوری خاص خود را اعمال نماید. و فرانسه و آلمان هم هر کدام با تئوری‌های خود به این کنوانسیون پیوستند.

کنوانسیون دوم ژنو حاوی مطالبی راجع به تعارض قوانین است.

در زمان تدوین این کنوانسیون کاملاً قابل پیش‌بینی بود همه کشورها به این کنوانسیون ملحق نشوند. به ویژه کشورهای تابع نظام حقوقی کام‌لا - در چنین مواردی حالات متعددی رخ می‌دهد که مقررات چند کشور قابل اعمال باشد.

از سوی دیگر ممکن است این مقررات با هم تعارض داشته باشند. در اینجا بایستی قوانین و قواعدی وجود داشته باشد که این تعارض را حل کند و بتواند قانون قابل اجرا را شناسایی نماید.

کنوانسیون سوم راجع به حق تمبر (مالیات) است.

بسیاری از کشورهای جهان هنگام صدور سند تجاری مالیات مطالبه می‌نمایند. از جمله ایران.

اگر مطابق قانون ملی کشوری لازم باشد هنگام صدور تمبری الصاق شود و مالیاتی پرداخت شود و این تمبر الصاق و ابطال نگردد و به اندازه لازم الصاق و ابطال نگردد، آیا اعتبار سند مخدوش می‌گردد؟

کنوانسیون سوم ژنو به این سوال پاسخ منفی می‌دهد.

ظرف چند سال کشورهای مختلف اروپایی - غیر از انگلیس - به این کنوانسیون‌ها پیوستند. انگلیس فقط به کنوانسیون حق تمبر پیوست زیرا در انگلیس اساساً تمبری برای اسناد تجاری ابطال نمی‌گردد.

در انگلیس و آمریکا برای اسناد تجاری قوانین مصوب وجود دارد و در بسیاری موارد به مقررات بین‌المللی نزدیک است ولی در برخی موارد هم اختلاف نظرهایی وجود دارد.

کشورهایی که به این کنوانسیون پیوستند در زمان خود بسیار مطرح بودند، شوروی، ژاپن، ترکیه، کشورهای اروپایی فرانسه و آلمان و، کشورهای عربی عربستان، مصر، کویت سوریه و ...

هدف این کنوانسیون‌ها به طور کامل محقق نشد، زیرا کشورهایی مثل انگلستان، آمریکا، استرالیا، کانادا (کشورهای کامن-لا) به این کنوانسیون‌ها پیوستند. از سوی دیگر در کشورهای عضو هم در رویه قضایی مواردی در اختلاف اجرای مقررات رخ داد.

با توجه به اینکه در عمل کنوانسیون‌های ژنو به اهداف خود نرسید سازمان ملل تصمیم به تدوین مقررات جدیدی گرفت.

کمیته سازمان ملل متحد در مورد حقوق تجارت (آنستیرال - Uncitral) در پی آن بر آمد تا مقررات در پی آن بر آمد تا مقررات کاملاً یکنواختی در سطح جهان در خصوص اسناد تجاری حاکم سازد یا اختلاف‌ها را به حداقل برساند.

این کمیته به این نتیجه رسید که چرا اسناد تجاری متعددی در سطح معاملات تاجری بین‌المللی وجود دارد؟ اگر فقط یک سند تجاری وجود داشته باشد تدوین مقررات یکنواخت در مورد آن ساده‌تر است.

ولی خیلی زود به این نتیجه رسیدند که این کار عملی نیست و کشورهای جهان در خصوص اسناد تجاری رایج متعصب هستند و حاضر به از دست دادن این اسناد نیستند. لذا تصمیم گرفتند بر اساس رویه کنوانسیون‌های ژنو عمل نمایند. یعنی مقرراتی در خصوص سفته و برات وضع نمایند.

هدف آنستیرال تدوین مقرراتی در جهت استفاده تجار از این اسناد بود. معاملات تجار اصولاً مدت‌دار سات. لذا مقرراتی که مورد توجه قرار گرفتند مقررات راجع به برات و سفته بود که برای معاملات مدت‌دار استفاده می‌شدند نه چک که وسیله پرداخت نقدی است.

نهایتاً این مقررات تدوین شده توسط سازمان ملل در نیویورک در یک کنفرانس دیپلماتیک مطرح و به تصویب رسید. ولی هنوز این مقررات قابل اجار نیست زیرا حداقل کشورهای لازم برای لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون‌ها را تصویب ننموده‌اند و عملاً در دنیا تنها مقررات یکنواخت قابل اجرا همان کنوانسیون‌های ژنو می‌باشد.

در سال ۱۹۳۱ در ژنو کنوانسیون دیگر راجع به چک به تصویب رسید. الگوی این مقررات نیز همان کنوانسیون‌های سه گانه ژنو ۱۹۳۰ می‌باشد. حتی عبارات شبه می‌باشد.

کنوانسیون اول دارای دو ضمیمه است:

ضمیمه اول مقررات راجع به چک

ضمیمه دوم رزروها

کنوانسیون دوم راجع به تعارض قوانین است.

کنوانسیون سوم هم راجع به حق تمبر است.

هیچ‌گاه هم در صدد اصلاح کنوانسیون‌های ۱۹۳۱ راجع به چک برنیامدند، زیرا چک وسیله پرداخت نقدی است و در روابط بین بازرگانان که معاملات مدت‌دار انجام می‌دهند اصولاً جایگاهی ندارد.

ایران به هیچ یک از این کنوانسیون‌های ملحق نشده است. مقررات ایران همان مقررات باب چهارم قانون تجارت است. (مواد ۳۱۹-۲۲۳)

علاوه بر این قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ هم وجود دارد که در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۸۲ مورد اصلاحاتی واقع شده است. عمده مواد قانون چک جنبه جزایی دارد. در اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان چک دارای جنبه کیفری نیست. نگر اینکه فرد مرتکب جرم کلاهبرداری شده باشد. در حالیکه در عمده موارد صادرکننده چک سوءنیت ندارد.

تلاش دولت برای شکستن عرف صدور چک وعده‌دار در سال ۷۲ موفق نشد و با اصلاحات سال ۸۲ مجدداً وضع به حالت سابق برگشت. واز شدت و حدت جنبه کیفری آن کاست ولی همچنان جرم صدور چک بلامحل وجود دارد. ولی شاید واقعاً ضرورت داشته باشد تا مقررات کیفری در خصوص چک لغو شود.

در حال حاضر لایحه قانون تجارت در مجلس تحت بررسی است. ولی مقررات تدوین شده در موارد متعدد تکراری و نامتناسب می‌باشد. در حال حاضر بیشترین دلیل استفاده مردم از چک امتیازات بی‌مورد این سند تجاری است. امتیازاتی مثل مالیات کم، جنبه کیفری، عدم هزینه جهت واخواست، ... بهترین راه حذف امتیازات بی‌مورد چک می‌باشد.

در این درس مقررات مربوط به کنوانسیون ژنو راجع به سفته و برات بررسی می‌گردند.

شرایط اساسی صحت برات

ماده ۱ کنوانسیون ژنو

۴- قید سررسید

معاملات بین بازرگان عموماً معاملات مدت‌دار است. یعنی شرایط عادی هیچ بازرگانی کالایی را نقدی خریداری نمی‌کند.

اسنادی که برای پرداخت مدت‌دار استفاده می‌شوند عبارتند از سفته و برات. قید سررسید در برات بسیار اهمیت دارد. همین شرط در ماده ۲۲۳ ق.ت ایران هم آمده است و از این حیث تفاوتی بین ق.ت و کنوانسیون ژنو وجود ندارد.

سررسید برات ممکن است به یکی از چهار طریق ذیل باشد:

(۱) به رؤیت: یعنی به محض ارائه برات یا سفته بایستی کارسازی شود. در عمل از سررسید به رؤیت استفاده نمی‌شود، زیرا معاملات تجاری عمدتاً وعده‌دار است. اگر بخواهند برات به رؤیت صادر کنند چک صادر می‌کنند.

(۲) به وعده

• به وعده پس از رؤیت: ۲ ماه پس از رؤیت

• تاریخ معین

• به وعده

اگر سررسید برات یا سفته به یکی از طرق فوق نباشد، سند مزبور اصلاً برات نیست و مقررات برات در مورد آن اجرا نمی‌شود.

اسناد تجاری سفته و برات، اسناد اعتباری هستند، یعنی بین تاریخ صدور و تاریخ سررسید برای دارنده آن اعتبار می‌آورد. کسب این اعتبار از دو طریق است:

۱. اسکنت: ارائه سند به بانک و نقد کردن آن پس از کسر نرخ اسکنت.
۲. خرج کردن: سند را دارنده به نفع دیگری ظهنویسی می‌کند. برای گیرنده برات هم نفع دارد چون هم حق رجوع به ظهنویس را دارد و هم صادرکننده برات.

۱- قید کلمه برات روی ورقه: (در بند ۱ ماده ۲۲۳ ق.ت ایران هم آمده)

علت اینکه این قید لازم است، این است که تعهد ناشی از اسناد تجاری سنگین است و افرادی که امضاء کنند باید بدانند با این امضاء زیر بار چه تعهدات سنگینی می‌روند. در مورد سفته و چک هم کنوانسیون ژنو قید کلمه سفته و چک را ضروری می‌داند.

ولی قانون ایران قید کلمات سفته و چک را روی این اسناد ضروری نمی‌داند. در کنوانسیون ژنو در ادامه آمده «... قید کلمه برات روی ورقه به همان زبانی که سند صادر شده» که در قانون ایران که یک قانون داخلی است نیامده است.

۲- دستور بدون قید و شرط پرداخت مبلغ معین:

موضوع اسناد تجاری پرداخت مقداری پول است. هر پولی می‌تواند موضوع اسناد تجاری باشد. در قانون تجارت ایران هم «مبلغ معین». از شرایط اساسی صحت برات است.

تعریف برات: سندی که به موجب آن برات‌دهنده به برات‌گیرنده دستور پرداخت مبلغ معین در سررسید معین می‌دهد.

دستور پرداخت که در تعریف برات آمده است از همین شرط اخذ شده است.

اصل تجربیدی بودن اسناد تجاری هم از این بند استنباط می‌شود. زیرا دستور پرداخت بی‌قید و شرط، یعنی اینکه برات دستور پرداختی است که رابطه خود را با رابطه مبنایی از دست داده است.

اگر در برات پرداخت مقید به شرطی شده باشد تکلیف چیست؟

در این مورد کنوانسیون ژنو نص صریحی ندارد ولی در مبحث ظهرنویسی آمده اگر ظهرنویسی مقید به شرط باشد، ظهرنویسی صحیح است ولی شرط باطل است. می‌توان از وحدت ملاک این ماده استفاده کرد، و گفت در دستور پرداخت مشروط دستور پرداخت صحیح و شرط باطل است.

در قانون تجارت ایران نیز این موضوع به سکوت برگزار شده است ولی در قانون صدور چک (ماده ۳) آمده بانک در صورت قید شرط در چک نباید به شرط ترتیب اثر دهد. و چک پرداخت می‌شود.

۳- نام شخصی که باید وجه برات را تأدیه کند. (قید نام برات گیر)

بایستی شخص باشد که دارنده برات به چه کسی باید رجوع کند. صرف نوشتن نام فردی به در صورت قبولی بارت متعهد به پرداخت وجه آن می‌شود. در کنوانسیون ژنو و قانون تجارت ایران، براتگیر قبل از قبول برات تعهدی به پرداخت ندارد، مطابق اصلو حاکم بر اسناد تجاری- نمی‌توان کسی را بدون اراده به پرداخت وجهی الزام کرد)

ولی در حقوق فرانسه به دلیل پذیرش تئوری محل، به محض صدور برات محل برات از برات‌دهنده به دارنده برات منتقل می‌شود.

در این بند آمده نام برات‌گیر، در حالیکه در جوامع بزرگ صرف نوشتن نام براتگیر کفایت نمی‌کند. نوشتن نام برای امکان رجوع دارنده برات به براتگیر است، لذا ضروری است، آدرس براتگیر هم قید شود.

در فرمهای وزارت دارایی محلی برای قید آدرس هم وجود دارد و این خلأ را پر کرده .

آیا ممکن است برات‌دهنده، نام خود را به عنوان برات‌گیر بنویسد؟

در این مورد قانون ما ساکت است. البته مطابق قانون تجارت ایران، برات‌دهنده می‌توان برات را به نفع خود صادر کند. همچنین می‌توان برات را به نمایندگی صادر کرد.

قانونگذار در مقام بیان بوده است ولی سکوت کرده بنابراین در ایران، برات‌دهنده و برات‌گیر نمی‌توان یک نفر باشند. ولی در کنوانسیون ژنو (ماده ۳) اجازه داده شده است برات‌دهنده برات را به عهده خود صادر نماید. برات‌دهنده و برات‌گیر یکی باشند. در چنین حالتی برات فقط ظاهر برات را دارد ولی عملاً به سفته تبدیل می‌شود.

علت اینکه کنوانسیون ژنو صدور برات به عهده خود را پذیرفته است، این است که در حال حاضر شرکتهای فراملیتی بسیاری در جهان وجود دارند. از اقتضائات تجاری امروز این است که صدور برات به عهده خود امکان پذیر باشد. به عنوان مثال، شرکت فیلیپس (شعبه اصلی در هلند) به شرکت زیمنس آلمان بدهکار می‌شود و بدهی را باید در آلمان بپردازد. در اینجا شرکت فیلیپس می‌تواند براتی را به عهده شعبه خود در آلمان صادر کند. این امر مانع انتقال پول بین دو کشور می‌شود و کار را نیز تسهیل می‌کند. دارنده برات هم مطمئن است.

شرکتهای چند ملیتی هر چند شعبه داشته باشند یک شخصیت حقوقی بیش ندارند، لذا در مثال فوق برات‌دهنده و برات‌گیر یک شخص هستند.

۵- تعیین محل برات تأدیه برات:

در حال حاضر ممکن است برات‌دهنده آلمانی در انگلیس براتی را به نفع یک هلندی صادر کند در بلژیک توسط نفر اهل لوکزامبورگ ظهرونیس شود. در اینجا حتماً بایستی قید شود که محل تأدیه برات کجاست؟

هم برای دارنده برات مهمم است که محل تأدیه برات کجاست و هم برای برات گیر؟

اگر دارنده برات وجه برات را در محل اقامت خود دریافت کند می تواند روی آن پول سررسید حساب کند ولی اگر محل تأدیه جای دیگری باشد چند روز برای نقل و انتقال پول وقت لازم است و نمی تواند در روز سررسید روی آن پول حساب کند.

برای برات گیر هم لازم است محل تأدیه برات مشخص باشد که اگر محل تأدیه شهر دیگری است چندروز قبل از سررسید برای حواله آن اقدام کند تا در سررسید پول در محل تأدیه باشد. از طرف دیگر مطابق قانون ایران و کنوانسیون ژنو پول پرداخت می تواند پول محل تأدیه باشد.

ممکن است در محل پرداخت امکان تهیه ارز خارجی نباشد، به دلیل ممنوعیت های قانونی و ارزی و ... لذا الزام برات گیر به پرداخت به پولی غیر از محل پرداخت تکلیف ما لایطاق است.. لذا کنوانسیون ژنو پرداخت به پول محل تأدیه مطابق نرخ روز (قیمت آزاد) را تجویز کرده است.

۶- نام کسی که برات به نفع او یا به حواله کرد او پرداخت گردد (دارنده برات) نام دارنده برات در برات قید شود. در حالیکه چک و سفته می تواند در وجه حامل هم صادر شود.

اینکه صدور برات در وجه حامل امکان پذیر نیست. امروزه توجیه ندارد، کما اینکه صدور برات در وجه حامل در کامن لا پذیرفته شده است.

ولی در گذشته ممنوعیت صدور برات در وجه حامل قابل توجیه بود. در زمان های گذشته در اروپا تنها راه مهم تجارت دریا بود و یکی از خطرات دریا، دزد دریایی بود. تجار برای حمل و نقل پول خود از برات استفاده می کردند. تاجر ایتالیایی به صرافی در ونیز مراجعه می کرد پول خود را به او می داد و براتی به نام خود و به عهده صرافی در مارسی می گرفت.

این برات به نام تاجر صادر شده بود و قابل انتقال به غیر هم نبود، لذا برات‌ها به نم صادر می شد تا در صورتی سرقت و یا گم شدن منشأ اثر نباشد. و صدور برات به نام کاملاً توجیه داشت.

ولی در حال حاضر صدور برات در وجه شخص معین و غیر قابل انتقال بودن آن توجیهی ندارد. به همین دلیل در قرن ۱۶ میلادی در شهر جنوای ایتالیا مکانیسم ظهنویسی ابداع شد. یعنی برات اگر چه در وجه شخص معین صادر می شد ولی از طریق ظهنویسی قابل انتقال به غیر بود.

دارنده برات می توانست از طریق ظهنویسی اراده خود را برای انتقال به دیگری ابراز دارد. برات به شرطی قابل ظهنویسی بود که در کنار نام دارنده کلمه «به حواله کرد» نوشته شده باشد ولی اگر چنین نبود (عبارت حواله کرد قیود یا خط خورده بود) به جز به دارنده مندرج در سند قابل پرداخت نبود.

این وضع تا قرن ۲۰ رایج بود ولی در قرن ۲۰ مقرر شد که برات به هر حال قابل ظهنویسی است حتی اگر کلمه حواله کرد آن خط خورده باشد.

۸ و ۷- تاریخ و محل صدور برات

در قانون ما تاریخ صدور آمده است ولی محل صدور برات قید نشده است. زیرا برات در هر جا صادر شود تابع قانون ایران است.

ولی در مورد برات‌های بین‌المللی در کنوانسیون ژنو ضروری است که محل صدور برات مشخص باشد زیرا برات تابع مقررات کشور محل صدور است.

۹- امضاء برات دهنده:

امضاء الزام بایستی دست‌نوشته باشد. جایی در قانون نیامده است که امضاء باید دست‌نوشته باشد ولی عرفاً مقصود از امضاء، امضای دست‌نوشته است.

در مورد امضاء کشورهای عضو کنوانسیون حق رزرو دارند. در قانون ایران هم مهر و هم امضاء پذیرفته شده است. (ماده ۲۲۳ ق.ت)

ماده ۲ کنوانسیون ژنو - ضمانت اجرای ماده ۱:-

«براتی که فاقد یکی از شرایط مقرر در ماده ۱ باشد، مشمول مقررات راجع به بروات نخواهد بود، مگر در موارد زیر:

- ۱) براتی که سررسید آن معین نشده باشد در حکم آن است که به رؤیت پرداخت شود.
- ۲) در صورتی که محل پرداخت برات صریحاً مشخص نشده باشد محل تعیین شده در کنار نام برانگیر و همچنین اقامتگاه وی مکان تأدیه برات خواهد بود.
- ۳) در صورتی که محل صدور برات مشخص نشده باشد، محل تعیین شده در کنار نام برات‌دهنده به عنوان مکان صدور آن محسوب می‌شود».

این ماده با ماده ۲۲۶ ق.ت ایران قابل مقایسه است. در ماده ۲۲۶ برای ۷ شرط از شروط مندرج در ماده ۲۲۳ ضمانت اجرا تعیین کرده و در مورد ۲ شرط سکوت کرده است. یعنی + امضاء برات‌دهنده + قیدکلمه برات در سند.

در مورد امضاء یا مهر باید توجه کرد که امضاء یا مهر کاشف از قصد انشاء صادرکننده است بدون امضاء یا مهر نمی‌توان اراده انشائی صادرکننده را احراز کرد. بدون امضاء یا مهر اصلاً سند محسوب نمی‌شود. لذا عدم ذکر ضمانت اجرای آن به دلیل بدیهی بودن است.

در مورد قید کلمه برات هم با توجه به اینکه عنوان برات‌دهنده در برات قید می‌شود به راحتی می‌توان برات بودن سند را تشخیص داد.

در کنوانسیون ژنو سه استثناء تعیین شده که مقررات خوبی است. ولی در قانون ایران پیش‌بینی نشده است.

سه استثناء مندرج در ماده ۲ کنوانسیون ژنو منطقی‌تر و بهتر تنظیم شده است. در حالیکه در قانون ما عدم درج سررسید، عدم تعیین محل صدور و محل پرداخت برات موجب می‌شود، سند مذکور اصلاً برات نباشد.

ولی در کنوانسیون ژنو در این موارد برات به رؤیت می‌باشد و محل صدور آن هم محل اقامت برات‌دهنده و محل تأدیه هم محل اقامت براتگیر است. البته تعیین محل صدور جزء شرایط برات در قانون تجارت ایران نیست.

ماده ۳

«برات ممکن است در وجه خود برات‌دهنده باشد. ممکن است به عهده برات‌دهنده صادر شود. ممکن است به حساب شخص ثالث صادر شود.»

در قسمت اول این ماده اجازه داده شده، برات‌دهنده و دارنده برات در شخص واحد جمع شده باشد و کاملاً قابل توجیه است. وقتی تاجری جنسی را می‌فروشد و به عهده خریدار برات صادر می‌ند، چه بسا در آن مورد به کسیب بدهکار نباشد که برات را به نام او صادر کند، بلکه می‌تواند برات را به نام خود (در وجه خود) صادر کند و برای انتقال آن از ظهرنویسی استفاده می‌کند.

ماده ۲۲۴ ق.ت.هم همین موضوع را نپذیرفته است.

در قسمت دوم آمده برات می‌تواند به عهده برات‌دهنده صادر شود که از ابداعات کنوانسیون ژنو است. یعنی دو عنوان برات‌دهنده و براتگیر می‌تواند در شخص واحد جمع شود که مطابق مقتضیات تجارت بین‌الملل رد حال حاضر است.

قانون ایران چنین اجازه‌ای نداده در حالیکه در مقام بیان همه بوده است، لذا این کار در قانون تجارت ممنوع است. ممکن است برات به حساب شخص ثالث باشد یعنی برات به نمایندگی صادر شود. ممکن است نماینده در کار نمایندگی خود لازم باشد سند تجاری و برات صادر کند.

ماده ۲۲۷ ق.ت ایران هم چنین اجازه ای را می‌دهد. البته در این خصوص بایستی به ماده ۸ کنوانسیون ژنو هم توجه کرد. که بررسی خواهد شد.

ماده ۴

«برات می‌تواند در اقامتگاه شخص ثالثی قابل پرداخت باشد خواه در آن محل براتگیر اقامت داشته یا نداشته باشد».

محل پرداخت برات لازم نیست محل اقامت براتگیر باشد. چه بسا براتگیر نخواهد محل پرداخت برات اقامتگاه وی باشد. بلکه محلی غیر از محل خود در همان شهر را به عنوان محل پرداخت تعیین نماید. معمولاً این محل بانکی است که براتگیر در آن حساب دارد. یعنی به بانک خود دستور می‌دهد که بارتهایی که من قبول کرده‌ام از حساب من پرداخت کن.

ممکن است حتی در محل پرداخت برات، براتگیر اصلاً اقامتگاه نداشته باشد. مثلاً حسابی در بانک فرانسوی باز می‌کند در حالیکه اصلاً مقیم فرانسه نیست و به بانک دستور پرداخت برات می‌دهد.

اگر چه بیان شده «شخص ثالث» ولی امروزه معمولاً این شخص ثالث بانکها هستند. و اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

ماده ۵

«در برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت برات‌دهنده می‌تواند قید کند که به مبلغ برات بهره تعلق گیرد، در صورتی که سررسید برات به نح دیگر تعیین شده باشد چنین قیدی کان لم یکن تلقی می‌شود.

نرخ بهره باید در برات معین شده باشد، در غیر اینصورت قید مذکور فاقد اعتبار است. بهره از تاریخ صدور برات محاسبه می‌شود مگر اینکه تاریخ دیگری تعیین شده باشد».

سررسید برات به ۴ صورت قابل تعیین است. حکم پرداخت بهره مخصوص براتهای به رؤیت و به وعده از رویت است.

وقتی برات به رؤیت صادر می‌شود یعنی به محض صدور وجه برات قابل مطالبه است. یعنی اگر بلافاصله دارنده برات به براتگیر رجوع کند قابل پرداخت است. ولی گاهی به دلیل دور بودن فاصله این کار با تأخیر صورت می‌گیرد.

اگر در برات شرط شده باشد، برات‌گیر بایست به دلیل استفاده از مبلغ برات از تاریخی صدور تا تاریخ پرداخت، سود آن را بپردازد. زیرا قاعده‌تاً این برات پس از صدور قابل مطالبه است.

البته قید تعلق سود باید در نسد قید شده باشد و میزان آن هم مشخص شده باشد. تاریخ مبدأ محاسبه تاریخ صدور و پایان آن تاریخ پرداخت است. و البته می‌توان تاریخ دیگری معین کرد. البته این سود غیر از سودی است که از تاریخ سررسید به بعد به عنوان خسارت تأخیر تأدیه پرداخت می‌شود. براتگیر نمی‌تواند برات را قبول کند ولی می‌تواند بخشی از مبلغ را با سود قبول کند.

ماده ۶

«اگر مبلغ برات با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است.

اگر مبلغ بیش از یکبار با حروف یا بیش از یکبار با رقم نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است».

این ماده در حقیقت اماره قانونین را بیان می‌کند و به طور معمول امارات خلاف پذیر هستند و می‌توان خلاف آن را اثبات کرد. (به جز امارات مطلق که خلاف آن قبال اثبات نیست)

ماده ۲۲۵ ق.ت هم عیناً همین قاعده ارا به دست می‌دهد. این ماده ق.ت فقط در مورد برات قابل اعمال است و در مورد سفته و چک اجرا نمی‌شود. اگر در مورد سفته و چک چنین مشکلی به وجود آمد و ارقام مذکور اختلاف داشتند، می‌توان از وحدت ملاک این ماده استفاده کرد.

ماده ۷

«اگر برات دارای امضای اشخاص فاقد اهلیت جهت قبول تعهد ناشی از برات باشد یا امضائات مجهول و یا منتسب به اشخاص خیالی باشد یا متضمن امضائاتی باشد. که به هر دلیل نتوان صاحبان آن امضاءها یا کسانی را که به نمایندگی از طرف آنها امضاء نموده‌اند متعهد شناخ، تهدات سایر امضاء کنندگها به قوت خود باقی است».

در مورد اسناد تجاری یک اصل بسیار مهم حاکم است تحت عنوان اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات. یعنی در مورد درانده با حسن نیت، امضاء کننده نمی‌تواند به رابطه مبنایی استناد کند و از زیر با تعهدات خود رها شود.

این اصل سه استثناء دارد:

۱. نقض شکلی. وقتی سند برات محسوب نشود تعهدات موجود نخواهد بود.
۲. حجر: اگر امضاء کننده محجور باشد، ایراد حجر از ناحیه او یا ولی یا قیم او قابل استماع است.

حتی در عرصه بین‌المللی هم رعایت حقوق محجورین مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است.

۳. جعل: امضاءکننده سند تجاری می‌تواند ادعای جعل کند و بگوید این امضاء منتسب به من نیست.

ادعاهایی مثل گم شدن، اشتباه، مسروقه بودن و ... قابل استماع نیست.

اگر در یک برات امضاءکننده محجور باشد، طبعاً نمی‌توان به او رجوع کرد. ولی تعهدات سایر امضاء کنندگان ظهرنویس، ضامن، ... به قوت خود باقی است. در بسیاری موارد دارنده سند به اعتبار امضاء ظهرنویس یا ضامن سند را قبول می‌کند. لذا نباید به دلیل محجور بودن صادرکننده، تعهدات ظهرنویس و ضامن را بلااعتبار دانست.

علت این است که در بازار مهم اعتبار است. حتی افراد براتی را که با قبض و اقباض.

ماده ۸

«کسی که براتی را به نمایندگی از طرف شخص امضاء کند که از جانب او چنین اختیاری نداشته باشد خود او موافق مقررات راجع به برات متعهد شناخته می‌شود و در صورتی که وجه برات را پرداخت کند دارای همان حقوقی خواهد بود که شخصی که به ادعای او از طرف امضاء کرده می‌تواند درآرا باشد. همین حکم در مورد نماینده‌ای از اختیارات خود تجاوز کرده نیز مجری می‌باشد».

برای اینکه اصیل را به عنوان صادرکننده بشناسیم دو شرط باید موجود باشد:

(۱) نماینده در متن سند عنوان نمایندگی خود را ذکر کند.

اگر عنوان نمایندگی در سند قید نشده باشد، به هیچ عنوان ادعای نمایندگی امضاءکننده پذیرفته نمی‌شود حتی اگر دلیل ارائه کند. زیرا در مورد اسناد تجاری تئوری عمل به ظاهر حاکم است.

۲) نماینده دارای اختیار باشد. و اگر معلوم شود دارای اختیار نبوده خود نماینده به عنوان صادرکننده محسوب می‌شود.

ممکن است نماینده از حدود اختیارات خود تجاوز کند، در این موارد باید گفت دو برات دهنده داریم. تا حدودی که نماینده اختیار داشته برات دهنده اصیل است و نسبت به مازاد نماینده برات دهنده محسوب می‌شود.

اگر نماینده برات‌دهنده محسوب شود و برات را پرداخت کند، نماینده حقوق اصیل ادعایی خود را پیدا می‌کند. یعنی حقوق برات‌دهنده را به دست می‌آورد یعنی حق دارد به براتگیر قبول کننده رجوع کند. ولی اگر برات‌گیر برات را قبول نکرده باشد، برات‌دهنده حقوقی ندارد. و اگر بخواهد به اصیل ادعایی رجوع کند تابع قواعد عمومی و کلی است.

موضوع مورد بحث در مورد شرکت‌های تجاری پیشرفته‌تر از چیزی است که بیان شده است. مطابق لایحه قانونی در خصوص شرکت‌های تجاری قانون تجارت، مدیران نماینده شرکت محسوب می‌شوند.

اگر مدیر خارج از حدود اختیارات برات صادر کند، این برات علیه شرکت قابل استناد است. حتی اگر مطابق اساسنامه مدیر فاقد این اختیار باشد. مشروط به اینکه اعمال مدیر در چارچوب اعمال شرکت باشد. (ماده ۱۱۸ لایحه قانونی شرکتهای سهامی)

در شرکتهای با مسئولیت محدود اعمال مدیران در صورتی علیه شرکت قابل استناد است که این اختیار از مدیران در اساسنامه سلب نشده باشد.

بنابراین:

۱) مدیران شرکت، نماینده شرکت هستند.

۲) در شرکت‌های سهامی اعمال مدیران در چارچوب کادر شرکت علیه شرکت قابل استناد است.

۳) در شرکت‌های با مسئولیت محدود اعمال مدیران به شرط سلب نشده اختیار در اساسنامه علیه

شرکت قابل استناد است.

ماده ۹

«برات‌دهنده ضامن قبول و پرداخت برات می‌شود. برات‌دهنده می‌تواند مسئولیت ناشی از نکول برات را از خود سلب کند. هر شرط که به موجب آن برات‌دهنده مسئولیت مربوط به عدم تأدیه برات را از خود سلب کند کان لم یکن تلقی می‌شود».

وقتی برات صادر می‌شود، برات‌دهنده طلبی را که نزد برات‌گیر دارد به درانده برات انتقال می‌دهد. اما صدور برات فقط انتقال محل برات نیست. برات‌دهنده علاوه بر انتقال محل برات، دو نوع مسئولیت هم عهده‌دار می‌شود.

- مسئولیت ناشی از نکول برات

- مسئولیت ناشی از عدم تأدیه

در قانون تجارت ما هم این نوع مسئولیت متوجه برات‌دهنده است.

مطابق اقنون ما، مسئولیت ناشی از نکول برات‌دهنده، دارنده برات طبق ماده ۲۳۷ این حق را پیدا می‌کند که به برات‌دهنده مراجعه کند و از او بخواهد. در صورتی که برات‌دهنده از دادن ضامن خودداری کند دین مؤجل به دین حال تبدیل شود.

ولی مطابق کنوانسیون ژنو به محض نکول برات، دین مؤجل حال می‌شود. برای اینکه دارنده برات بتواند از این حق برخوردار شود هم در قانون ما و هم در کنوانسیون ژنو دارنده بایستی برات را اعتراض نکول نماید.

در صورت عدم تأدیه برات هم برات‌دهنده مسئول است. طبق قانون ژنو، اگر دارنده برات به وظایف قانونی خود عمل نکرده باشد، حق قانونی رجوع به برات‌دهنده را از دست می‌دهد.

در قانون ایران

- اگر برات دارای محل بوده و دارنده برات به وظایف خود عمل ننموده، دارنده حق رجوع به برات‌دهنده را از دست می‌دهد.

- اگر برات دارای محل نبوده و دارنده برات به وظایف خود عمل ننموده باشد باز هم حق رجوع به برات‌دهنده را دارد. بار اثبات عدم وجود محل

می‌توان در برات (تثوری عمل به ظاهر) کرد که مسئولیت ناشی از نکول را ساقط کرد ولی مسئولیت ناشی از عدم تأدیه قابل اسقاط نمی‌باشد.

اگر مسئولیت ناشی از عدم تأدیه قابل اسقاط باشد در صورت نکول دارنده برات، براتی دارد که نه می‌توان به براتگیر رجوع کند. (چون قبول نکرده) و نه می‌تواند به برات‌دهنده رجوع کند چون مسئولیت خود را سلب نموده است.

ماده ۱۰

«اگر براتی که هنگام صدور کامل نبوده بر خلاف توافق اولیه تکمیل شود عدم توجه به آن توافق نمی‌تواند نسبت به دارنده برات قابل استناد باشد، مگر اینکه دارنده برات چنین براتی را با سوء نیت تحصیل کرده و یا در تحصیل آن مرتکب تقصیر عمده‌ای شده باشد».

این ماده به طور تلویحی به این سوال پاسخ داده است که اگر براتی هنگام صدور دارای کلیه شرایط قانونی نباشد و شرایط کامل نشده بعداً توسط دارنده سند تکمیل گردد می‌توان گفت که برات دارای شرایط لازم می‌باشد.

دو اصطلاح در حقوق ما هم در این زمینه وجود دارد:

«سفید امضاء و سفید مهر»

یعنی اینکه دارنده سند (برات، سفته یا چک) سند را امضاء می‌کند و به دارنده می‌دهد و دارنده آن شرایط را پر می‌کند. این سفید امضاء به طور کامل است.

گاهی قسمتی از مندرجات سند پر نشده است و به دارنده داده می‌شود و دارنده بعداً قسمتهای خالی را پر می‌کند. اگر بخواهیم برای معتبر بودن این کار توجهی به کار بریم بایستی به تئوری وکالت استناد کرد. یعنی به کمک تئوری وکالت می‌توان اسناد سفید امضاء را توجیه کرد.

سند سفید امضاء (به طور کامل یا جزئی) یعنی صادر کننده پرکردن سایر مندرجات سند را به دیگری وکالت داده است. (به اولین دارنده سند)

مطلب مهم این است که معمولاً بین صادر کننده و اولین دارنده که قسمتهای خالی را پر می‌کند در خصوص اینکه قسمتهای خالی چگونه پر شود قرار و مدار تفاهمی به عمل می‌آید. به عنوان مثال تاجری

خرده فروش که با تاجر عمده فروشی معامله می کند، می خواهد عمل جراحی انجام دهد و چون نمی خواهد دینی به دیگری داشته باشد به تاجر عمده فروش می گوید من فرصت ندارم میزان بدهی را مشخص کنم، لذا چکی را بدون مبلغ به تو می دهم که پس از محاسبه دقیق میزان طلب آن را تکمیل کنی و آن را وصول نمایی.

پس از عمل متوجه می شود، اولین دارنده سند آن را به مبلغی بیش از میزان طلب واقعی تکمیل کرده و در اختیار دیگری قرار داده است.

صادر کننده نمی تواند در مقابل دارنده سند به آن قرار و مدار قبلی استناد کند. البته دارنده ای تحت حمایت این کنوانسیون قرار می گیرد که :

- دارای حسن نیت باشد، ملاک حسن نیت هم عدم اطلاع از رابطه مبنایی و قرار و مدار قبلی و تخلف از آن است. اصل بر حسن نیت است و سوء نیت باید ثابت شود.
- دارنده سند در به دست آورده سند مرتکب تقصیر عمده (سنگین) (la faute loarde) نشده باشد.

تقصیر عمده عمد نیست بلکه بی احتیاطی خیلی سنگین است به نحویکه یک فرد معمولی مرتکب آن نمی شود. در حقوق فرانسه تقصیر عمده معادل تدلیس یا تقلب است.

مثلاً فردی با یک تاجری معامله می کند و سندی از او می گیرد که بر حسب ظاهر این سند نمی تواند متعلق به او باشد. یعنی به ظاهر فرد نمی خورد که چنین سندی را داشته باشد یا وقتی سند ده میلیونی را می دهد و ۶ میلیون تومان جنس می برد. در اینجا معلوم است سند دارای اشکال است. وگرنه کسی حاضر به چنین معامله ای نیست. و شخص ثالث هم از این مسئله اطلاع ندارد ولی مرتکب تقصیر عمد شده است.

این دو مورد از جمله موارد تقصیر عمده محسوب می‌شود. هر چند شخص اطلاع (سوء نیت) ندارد. چنین فردی نمی‌تواند به غیر قابل استناد بودن ایرادات استناد نماید.

در رویه قضایی ایران هم سند سفید امضائی که بعداً تکمیل شده را صحیح و معتبر می‌شناسد. با اثبات چنین مسئله‌ای در مورد چک، چک سفید امضاء معتبر است ولی جنبه کیفری ندارد و صادرکننده قابل تعقیب نیست.

مبحث دوم: ظهرنویسی (Endossement)

ماده ۱۱

«برات حتی اگر صراحتاً به حواله کرد صادر نشده باشد به طریق ظهرنویسی انتقال پیدا می‌کند.

در صورتی که برات‌دهنده در برات قید «عدم حواله کرد» یا هر اصطلاح معادل آن را درج کند، برات دیگر قابل انتقال نیست و مگر به طریق انتقال عادی و بر چنین انتقالی آثار انتقال عادی مترتب می‌باشد.

برات حتی می‌تواند به نفع برات‌گیر ظهرنویس ی شود. اعم از اینکه برات‌گیر برات را قبول کرده یا نکرده باشد. همچنین برات می‌تواند یا ممکن است به نفع برات‌دهنده و هر متعهد دیگر ظهرنویسی شود. این اشخاص می‌توانند در مورد آن برات مجدداً ظهرنویسی نمایند».

Dos	پشت	Endosser	ظهرنویسی
Endosseur	ظهرنویسی	Endossé	کسی که ظهرنویسی به نفع او انجام گرفته

ظهنروئسی ترجمه‌است از Endossement . ظهنروئسی مکانیسمی برای انتقال اسناد تجاری است که در قرن ۱۶ توسط بازرگانان اهل جنوا ابداع گردید.

این بازرگانان می‌گفتند سند در صورتی یا ظهنروئسی قابل انتقال است که در سند در کنار نام دارنده سند عبارت (به حواله کرد) (In order /à ordre) نوشته شده باشد.

وجه سند به حواله کرد آقای بپردازید.

وجه سند به آقای یا به حواله کرد بپردازید.

در غیر این صورت سند قابل انتقال نبود. فقط دارنده سند می‌توانست آن را وصول نماید. این مقررات تا قرن ۲۰ و مقررات کنوانسیون ژنو ادامه یافت.

در کنوانسیون ژنو آمده است که برات قابل انتقال است ولی اینکه کنار نام دارنده در سند عبارت حواله کرد نوشته شده باشد یا خیر.

در قانون تجارت هم همین مکانیسم (ظهنروئسی به عنوان مکانیسم انتقال اسناد تجاری) پیش‌بینی شده است. (ماده ۲۴۵ ق.ت)

بنابراین ولو در برات عبارت «حواله کرد» نوشته نشده باشد برات طبق ق.ت ایران و کنوانسیون ژنو برات قابل انتقال و ظهنروئسی است.

این حکم به وجب ماده ۳۰۹ نیز در مورد سفته نیز اجرا می‌گردد. و به موجب ماده ۳۱۲ چک هم قابل ظهنروئسی است. (انتقال به وسیله ظهنروئسی). حکم این مواد مطلق است و همه موارد را شامل می‌شود. بنابراین بود و نبود عبارت «حوال کرد» در برات علی السویه است.

پول همیشه قابل نقل و انتقال است و به هیچ طریق نمی‌توان این ویژگی قابلیت نقل و انتقال بودن را از پول گرفت. ولی اسناد تجاری اگر چه بوجود آمده‌اند تا کار پول را انجام دهند و اصولاً قابل نقل و انتقال هستند ولی می‌توان این ویژگی را از آنها گرفت. وجود اسنادی که همیشه قابلیت انتقال دارند از نظر امنیت معامله دارای مشکل هستند.

اگر فرد نتواند سندی غیر قابل انتقال داشته باشد که دروجه شخص معین است ممکن است به اجبار او را مجبور کنند سند را به دیگری منتقل کند.

شرکت‌ها بیمه و سازمان‌های دولتی هم در چک‌هایی که صادر می‌کنند عبارت غیرقابل پرداخت قید می‌نمایند. به نظر می‌رسد خط زدن عنوان به حواله کرد چنین اثری ندارد زیرا حداکثر مثل این است که عنوان حواله کرد قید نشده که باز هم سند قابل انتقال است.

انتقال به غایر از طریق ظهرنویسی، انتقال مدنی است و ظهرنویس ضامن نیست و نمی‌توان به انتقال دهنده (ظهرنویس) رجوع کرد. فقط باید به ضامن اصلی رجوع کرد.

ظهرنویسی لازم نیست به نفع اشخاص ثالث (خارج از سند) باشد که بله می‌توان برات را به نفع ضامن، به نفع براتگیر، به نفع برات‌دهنده ... ظهرنویسی کرد.

ممکن است شخص ثالثی که به براتگیر بدهکار است، برات را به نفع او ظهرنویسی کند که در این صورت مالکیت ما فی‌الذمه رخ می‌دهد. و براتگیر مالک ما فی‌الذمه خود می‌شود.

براتگیر متعهد به پرداخت وجه سند در موعد معین است. قبل از آن موعد می‌تواند آن سند را منتقل کند. یعنی برات‌گیر خودش به عنوان دارنده سند آن را منتقل می‌کند و در سررسید دارنده بعدی به او رجوع می‌کند.

ماده ۱۲

«ظهنویسی باید بدون قید و شرط صورت گیرد. هر شرطی که ظهنویسی مبتنی بر آن باشد کان لم یکن محسوب می‌شود.

ظهنویسی قسمتی از برات باطل می‌باشد.

ظهنویسی در وجه حامل به منزله ظهنویسی سفید است».

سند تجاری کار پول را انجام می‌دهد. مکانیسم ظهنویسی برای انتقال اسناد تجاری است که شبیه پول است. همان‌گونه که انتقال پول بدون قید شرط است ظهنویسی اسناد تجاری هم بایسیت بدون قید و شرط باشد.

راه حل کنوانسیون ژنو برای ظهنویسی شروط این است که شرط باطل و ظهنویسی صحیح است. رویه قانون ایران هم همین است.

ظهنویسی بخشی از مبلغ برات باطل است. زیرا اگر چنین شود بخشی از سند متعلق به فردی و بخشی متعلق به دیگری است و این امر مغایر ویژگی اسناد تجاری است. چنین ظهنویسی از نظر تجاری باطل است و گرنه از نظر مدنی صحیح و معتبر است.

ظهنویسی در وجه حامل معادل ظهنویسی سفید است.

ظهنویسی سفید عبارت است از اینکه درانده سند فقط پشت آن را امضاء کند. بدون اینکه عبارتی بنویسد. اگر در پشت سند مذکور عبارت در وجه حامل پرداخت قید شود و امضاء گردد ظهنویسی در وجه حامل محسوب می‌شود.

ماده ۱۳

«ظهنویسی باید در برات یا روی برگه‌ای که ضمیمه برات می‌گردد نوشته و توسط ظهنویس امضاء شود. در ظهنویسی می‌توان نام ذینفع را ذکر نمود. همچنین ممکن است ظهنویس فقط اقدام به امضاء نماید. (ظهنویسی سفید) در صورت اخیر (ظهنویسی سفید) برای اینکه ظهنویسی دارای اعتبار باشد باید ر پشت برات یا روی برگه ضمیمه به عمل آید».

این ماده راجع به شرایط شکلی ظهنویسی است.

این شرایط به دو دسته تقسیم می‌شود: شرایط الزامی. شرایط اختیاری.

شرایط الزامی:

۱. کتبی بودن؛ اعلام اراده دارنده سند مبنی بر انتقال به صورت کتبی. نتیجه اینکه قبض و اقبضا آثار ظهنویسی را ندارد.

۲. ظهنویسی باید در خود برات صورت گیرد. (رو یا پشت برات) و حتی ممکن است روی برات ظهنویسی صورت گردد و صحیح است. ولی معمولاً ظهنویسی پشت برات صورت می‌گیرد. روی برات جایی برای ظهنویسی وجود ندارد.

ولی اگر روی برات ظهنویسی انجام گیرد، باید معلوم باشد که این امضاء به عنوان ظهنویس برات را امضاء می‌کند. اگر دارنده برات روی سند فقط امضاء کند ظهنویسی نیست و ضامن محسوب می‌شود. ولی اگر پشت برات را فقط امضاء کند، ظهنویسی محسوب می‌شود.

در اینجا دو اماره وجود دارد:

امضای روی سند متعلق به ضامن است.

امضای پشت سند، متعلق به ظهرنویس است.

خلاف این دو اماره قابل اثبات است. اگر دلیلی نباشد که امضای سند متعلق به کیست آن را ظهرنویسی می‌دانند.

ظهرنویسی بایستی روزی دارنده سند باشد. بنابراین اگر کسی که هیچ‌گاه دارنده سند بنوده پشت سند را امضاء کند ضامن محسوب می‌شود نه ظهرنویس، هر چند که فقط آن را امضاء کرده باشد.

در مورد اسناد تجاری تلاش قانونگذار بر این است که تمام حقوق دارنده سند از خود سند نشأت بگیرد. یعنی تمام حقوق داخل سند باشد. چون این سند قابل نقل و انتقال است و در نقل و انتقال سند بایستی با کلیه حقوق مربوطه منتقل گردد.

اولوبیتی دیگری هم وجود دارد که تا آنجا که ممکن است امکان ظهرنویسی فراهم باشد. سند کار پول را انجام می‌دهد و باید هر آن قابل و نقل و انتقال باشد لذا اسنادی که کار پول را انجام می‌دهند بایستی بتوانند به کرات قابل انتقال باشند.

چون فضای پشت سند ممکن است پر شود، و در شرکتهای تجاری ظهرنویسی فضای بیشتری را اشغال می‌کند. (معمولاً دو امضاء بعلاوه مهر شرکت) بنابراین برای اینکه امکان ظهرنویسی فراهم باشد مقررات ژنو پیش‌بینی کرده است که می‌توان ظهرنویسی روی ضمیمه (Annex) صورت گیرد.

اوراق ضمیمه بایستی به گونه‌ای طراحی می‌شوند که مسلم باشند به کدام برات ضمیمه شده‌اند. اوراق برات و سفته در حال حاضر توسط وزارت اقتصاد چاپ می‌شود و دارای شماره خزانه‌داری کل می‌باشد. لذا در صورت درج این شماره روی ضمیمه می‌توان ضمیمه بودن این برگ را به برات محرز دانست.

اگر ضمیمه محرز نباشد، به چه براتی اضافه شده، قابل قبول نیست.

در ماده ۲۴۶ ق.ت ایران هم این دو شرط به صورت الزامی بیان شده است امضاء حداقل کتبی بودن است.

در حقوق ایران ظهرنویسی در برگ ضمیمه پیش‌بینی نشده است و حتماً باید در خود برات صورت گیرد.

شرایط اختیاری در قانون ایران عبارتند از تاریخ و اسم منتقل‌الیه. البته شرایط اختیاری حصری نیست و

مثلاً ممکن است با بت ظهر نویسی هم قید شود.

امضاء به تنهایی در پشت سند به مفهوم ظهرنویسی است.

ماده ۱۴

«ظهرنویسی موجب انتقال کلیه حقوق ناشی از برات می‌گردد.

در صورتی که ظهرنویسی به طور سفید انجام شده باشد، دارنده برات می‌تواند محل سفید را با نام خود یا

نام شخص دیگر پر کند.

۲) برات را مجدداً به صورت سفید با به نفع شخص دیگری ظهرنویسی نماید.

۳) بدون پر کردن محل سفید و بدون ظهرنویسی برات را به شخص ثالثی تسلیم کند».

در بند اول صراحتاً بیان شده که ظهرنویسی مکانیسمی است برای انتقال سند تجاری. (ماده ۲۴۵ ق.ت ایران

را هم همین مطلب را بیان کرده) البته عبارت مقررات ژنو بهتر است.

در بند دوم بیان شده است اگر ظهرنویسی به صورت سفید انجام شده باشد، یعنی دارنده سند فقط پشت آن

را امضاء کرده باشد. دارنده سند از امتیازات زیر برخوردار می‌شود:

۱) می‌تواند آن را با ظهرنویسی به نام به دیگری منتقل کند. در این صورت غیر از کسی که نام او قید شده دیگری حق استفاده را ندارد.

۲) می‌تواند آن را به صورت سفید ظهرنویسی کند و به دیگری منتقل کند.

۳) بیرون ظهرنویسی آن را منتقل کند. یعنی از طریق قبض و اقباض می‌تواند برات را منتقل کند. در این صورت آن فرد ظهرنویس محسوب نمی‌شود و مسئولیت ظهرنویسی را ندارد.

در ق.ت ایران قبض و اقباض به عنوان مکانیسم نقل و انتقال اسناد تجاری بیان نشده است. (برات و سفته و چک) فقط در ماده ۳۹ لایحه قانونی شرکتهای سهامی مکانیسم قبض و اقباض برای انتقال سهام بی‌نام به رسمیت شناخته شده است. بنابراین می‌توان از ملاک این ماده برای کلیه اسناد در وجه حامل یا در حکم آن استفاده کرد.

- وقتی قید می‌شود «در وجه حامل» سند در وجه حامل است.

- وقتی سند به صورت سفید امضاء می‌شود در حکم اسناد در وجه حامل است.

ظهرنویس هم مسئول است (ضامن) است. وقتی ظهرنویس در مقابل ضامن به کار می‌رود به معنای ضامن اصطلاحی است نه مسئول.

ماده ۱۵

«در صورت نبودن شرط مخالف ظهرنویس ضامن قبول و پرداخت برات است. ظهرنویس می‌تواند هر گونه ظهرنویسی مجدد را ممنوع نماید. در این صورت ظهرنویس دیگر در قبال اشخاصی که متعاقباً برات به نفع آنان ظهرنویسی شده است مسئول نمی‌باشد».

ظهنرنویسی به عنوان مکانیسمی برای انتقال برات در ماده ۱۴ شناسایی شده است، اما ظهنرنویسی فقط انتقال نیست با ظهنرنویسی فقط حقوق مترتبه بر برات موثر انتقال قرار نمی‌گیرد. علاوه بر آن ظهنرنویس دو نوع مسئولیت پیدا می‌کند.

(۱) مسئولیت ناشی از نکول

(۲) مسئولیت ناشی از عدم پرداخت

یعنی اگر برات با نکول برات‌گیر روبه‌رو شود، دارنده برات مطابق مقررات ژنو، از این حق برخوردار می‌شود که به ظهنرنویس مراجعه کند و وجه سند را مورد مطالبه قرار دهد. به تعبیر دیگر با نکول برات دین مؤجل به دین حال تبدیل می‌شود.

در حقوق ایران هم اگر برات مورد نکول برات‌گیر واقع شود، مطابق ماده ۲۳۷ ق.ت دارنده برات حق دارد، به ظهنرنویس مراجعه کند و از او ضامن بخواهد. در صورتی که ظهنرنویس از دادن ضامن خودداری کند آن گهع دین موجل به دین حال تبدیل می‌شود.

بر اساس قانون تجارت ایران و قانون ژنو، در صورتی دارنده برات از حق مراجعه برخوردار می‌شود که نسبت به برات نکول شده اعتراض نکول یا واخواست نکول به عمل آمده باشد.

مسئولیت دوم: ناشی از عدم پرداخت.

اگر هنگام سررسید دارنده برات به برات‌گیر مراجعه کند و برات‌گیر به هر علتی از پرداخت خودداری کن، این حق را دارنده برات پیدا می‌کند که به همه مسئولین از جمله ظهنرنویسان رجوع کند (هم مطابق ماده

۲۴۹ ق.ت و قانون یکنواخت ژنو)

البته دارنده سند وظایفی دارد که اگر به آنها عمل نکند حق مراجعه به ظهرنویس را از دست می‌دهد. هر دو نوع مسئولیت یاد شده قابلیت سلب دارد. (شرط عدم مسئولیت) [مقررات ژنو] در قانون تجارت ایران نصی در این زمینه وجود ندارد و به نظر می‌رسد که ظهرنویس می‌تواند هنگام ظهرنویسی این مسئولیت را از خود سلب کند، و این شرط معتبر است.

زیرا اگر ظهرنویس دراری مسئولیت تضامنی است به خاطر دارنده سند است و اگر خود دارنده بپذیرند که این حق را از خود سلب کند، پس از این شرط معتبر است. دارنده سند اگر نمی‌خواست این نوع برات را قبول نمی‌کرد.

قسمت دوم:

اثر ممنوعیت ظهرنویسی است که اگر علی‌رغم ممنوعیت، ظهرنویسی صورت گیرد، شخص یا اشخاصی که دارنده سند شده‌اند نمی‌توانند به این ظهرنویس رجوع کنند.

تجار در روابطی که با هم دارند ممکن است در یک دوره کوتاه نقدینگی نداشته باشند. اگر برات به دست فردی نااهل (غیرتاجر، تاجر رقیب) بیفتند و می‌توند با رجوع به تاجر و سماجت حتی موجب ورشکستگی تاجر شود. لذا تاجر در مواردی نمی‌خواهند در مقابل سایر افراد جوابگو باشند، لذا ظهرنویسی سند را ممنوع می‌کنند.

ماده ۱۶

«کسی که برات را در اختیار دارد به عنوان دارنده قانی برات شناخته می‌شود. مشروط بر اینکه ثابت کند در نتیجه ترتب متوالی ظهرنویسی‌ها، برات را تحصیل کرده است. حتی اگر آخرین ظهرنویس به صورت سفید به عمل آمده باشد. در اینجا ظهرنویسی‌های حذف شده کان لم یکن تلقی می‌شود. در صورتی که یک

ظهنروئسی سفید قبل از یک ظهنروئسی دیگر انجام شده باشد، فرض می‌شود کسی که اقدام به ظهنروئسی اخیر کرده خود از طریق ظهنروئسی سفید برات را تحصیل کرده است.

اگر شخصی به هر علتی براتی را از دست دهد در اختیار دارنده برات با اثبات حق خود به طریق مذکور در فوق موظف نیست برات را به کسی که مدعی است آن را از دست داده تسلیم کند. مگر اینکه برات را با سوء نیت به دست آورده یا تحصیل آن مرتکب تقصیر سنگین شده باشد».

وقتی برات به دست کسی می‌افتد، ممکن است نام او در برات نباشد، یا سند در وجه حامل باشد، ممکن است ظهنروئسی به نام یا سفید باشد، ...

کسی که سند را در دست دارد باید او را دارنده قانونی سند شناخت به شرط اینکه «اگر ظهنروئسی‌ای متعدد است رشته ظهنروئسی‌ها مرتب باشد. تقدم و تأخر ظهنروئسی‌ها معلوم باشد.

زیرا مقررات حاکم بر اسناد تجاری، فقط به منظور حمایت از حقوق آخرین دارنده سند وضع نشده است. در سند تجاری که امضاء کنندگان متعدد دخالت دارند، از بین همه امضاء کنندگان فقط یکی به عنوان مدیون اصلی شناخته می‌شود.

بقیه امضاء کنندگان مسئول هستند ولی مدیون نیستند. به همین دلیل است که مطابق مقررات اکم بر اسناد تجاری مسئولی که مدیون نیست اگر وجه سند را پرداخت کند یا علیه او طرح دعوی شود حق مراجعه و طرح دعوی به ایادی ماقبل را دارد.

امضاء کننده مسئول پس از پرداخت یا طرح دعوی علیه او، به عنوان دارنده سند شناخته می‌شود و فقط حق مراجعه به ایادی ماقبل را دارد. زیرا اگر بتواند به ایادی مابعد رجوع کند موجب دور است.

برای اینکه دارنده سند یا هر یک از امضاءکنندگان بتوانند به ایادی ماقبل رجوع کنند باید تقدم و تأخر امضاها مشخص باشد. (رشته ظهنویسی مشخص باشد)

هدف از این ماده این است که اگر قانونگذار برای ظهنویس مسئولیت تضامنی در نظر گرفته به دلیل این است که می‌تواند به ایادی ماقبل رجوع کند و اگر او نتواند به ایادی ماقبل رجوع کند به دلیل مشخص نبودن رشته ظهنویسی) کسی هم نباید بتواند به او رجوع کند.

در ق.ت ایران مقرر صریحی در این خصوص نداریم. ولی در ماده ۲۴۹ آمده ظهنویس حق دارد به ظهنویسان ماقبل و به برات‌دهنده مراجعه کند کاملاً مستفاد می‌شود که اگر ظهنویسی نتواند به علت نامرتب بودن رشته ظهنویسی به ایادی ماقبل رجوع کند دارنده سند هم نباید حق داشته باشد به او رجوع کند.

اگر ظهنویسی‌ها تماماً با نام باشد، یعنی ظهنویسی‌ها در وجه شخص معین باشد، مسلماً رشته ظهنویسی مرتب است.

الف در وجه (ب)، (ب) در وجه (ج) و...

اگر تمام ظهنویسی‌ها سفید (یا دوجه حامل) بشد باز هم مشکلی وجود ندارد، زیرا هر امضاءکننده حق رجوع به هر امضاءکننده دیگر را دارد زیرا برای او فرق نمی‌کند چه کسی به او رجوع کند. به علاوه وقتی قانونگذار ظهنویسی سفید را صحیح می‌داند.

نباستی در این مورد مرتب بودن رشته ظهنویسی شرط باشد.

نامرتب بودن رشته ظهنویسی وقتی رخ می‌دهد که برخی ظهنویسی‌ها سفید و برخی با نام باشد. برای مرتب کردن این ظهنویسی‌ها مقررات ژنو دو ده حل اراده کرده:

۱) مطابق ماده ۱۴، ظهرنویسی سفید را می‌توان به ظهرنویسی در وجه شخص معین تبدیل کرد. به این طریق رشته ظهرنویسی‌ها مرتب می‌شود.

۲) مطابق همین‌ماده ۱۶ می‌توان ظهرنویسی سفید را حذف کند. وری آن خط بکشد. یعنی ظهرنویسی سفید حذف شود. و انگار ظهرنویسی سفید وجود ندارد، و رشته ظهرنویسی مرتب است.

در حالتی که هم ظهرنویسی‌ها سفید است دانه به یکی از آنها رجوع می‌کند او هم به یک ظهرنویس دیگر و به همین ترتیب ولی هیچ کدام از ظهرنویس‌ها نمی‌توانند به افرادی که به دیگران مراجعه کرده‌اند رجوع کنند.

در حقیقت ترتیب مراجعه‌ها بر هم، رشته ظهرنویسی را مشخص می‌ند (ولو فرضاً)

کسی که دارنده قانونی سند محسوب می‌شود، نمی‌توان سند را از دست او خارج رکد. به شرط اینکه شرط فوق‌الذکر رعایت شود حتی اگر ثابت شود سند مسروقه بوده یا گم شده یا به عنف از دیگری اخذ شده و ...

باز هم با اثاب سه مورد فوق نمی‌توان علیه دارنده سند طرح دعوی کرد.

مثلاً سندی به سرقت رفته به دیگری منتقل می‌شود. علیه دارنده قانونی سند نمی‌توان ادعایی طرح کرد.

از دیدگاه مدنی در چنین حالتی دارنده سند حقی ندارد، زیرا ید ما قبل او (سارق) بوده و حقی نداشته که به او منتقل کند.

ولی از دیدگاه تجاری، دارنده سند ذیحف شناخته می‌شود زیرا از اشکال سند بی‌اطلاع بوده، حسن نیت داشته.

ادعاهایی مثل سرقت، خیانت در امانیت، مفقود شدن و ... اسناد تجاری علیه دارنده قانونی باحسن نیت قابل طرح نیست. این ادعا بایستی علیه فردی که مرتکب تخلف شده مطرح گردد.

زیرا دارند قانونی با حسن نیت معامله رکه و سند را تحصیل کرده . اگر سند به سرقت رفته بود، نباید به ضرر دارنده با حسن نیت مطرح گردد. بلکه باید کسی ضرر کند که سند از او به سرقت رفته یا ازسند خود مواظبت نکرده ...

البته تنها دارنده‌ای از این امتیاز برخوردار است که حسن نیت داشته باشد. ملاک تشخیص سوء نیت «اطلاع» است.

یا اینکه فرد مرتکب تقصیر سنگین (عمده) شود. *la faute lourde(grave)* . تقصیر عمده، عمدنیست بلکه بی احتیاطی بزرگ است.

تقصیر عمده (سنگین) اصطلاحی فرانسوی است که در حقوق رم هم وجود داشته است. در حقوق رم و فرانسه تقصیر عمده معادل تدلیس و تقلب است.

- بی احتیاطی مهم

- عمد (تدلیس، تقلب)

به عنوانمثلا فردی یک چک ۵,۰۰۰,۰۰۰ تومانی را از یک فرد آس و پاس قبول کند مرتکب تقصیر سنگین شده است. اصل هم بر عدم ارتکاب سوء نیت یا تقصیر عمده است.

ماده ۱۷

«اشخاصی که علیه آنان به موجب برات اقامه دعوی شده است نمی‌توانند در قبال دارنده برات به ایرادات مبتنی بر روابط شخصی با برات‌دهنده یا با دارندگان قبلی برات استناد کنند. مگر آنکه دارنده مذکور با تحصیل براع عالمًا به زیان مدیون عمل کرده باشد».

این ماده متضمن اصل بسیار مشهور «غیر قابل استناد بودن ایرادات» است. به موجب این اصل ایرادات مبتنی بر روابط مبنایی، در خصوص اسناد تجاری قابل استماع نیست.

هر سند تجاری که امضاء می‌شود، پشت این امضاء یک رابطه حقوقی قبلی موجود است. وقتی براتی صادر می‌شود، یعنی صادرکننده برات معامله‌ای با برات‌گیر داشته است و طلبی از برات‌گیر داشته است که می‌خواهد این طلب را وصول کند.

همچنین دارنده برات هم معامله‌ای با برات‌دهنده داشته و از او طلبی پیدا کرده و از او برات گرفته است.

این رابطه مبنایی موجود و معتبر است و قابلیت طرح دعوی علیه آن موجود دارد.

ولی اگر سند تجاری صادر شد، تعهد جدیدی ایجاد می‌شود. که مستقل از رابطه مبنایی است. (اصل تجریدی بودن اسناد تجاری) امضاء کنندگان اسناد تجاری تعهدات مستقلی را پذیرفته‌اند.

پس کسی که علیه او طرح دعوی می‌شود نمی‌تواند به روابط مبنایی و ایرادات مربوط به آن استناد کند. این اصل با قواعد حقوق مدنی سازگار نیست و خاص اسناد تجاری است.

این اصل از اواسط قرن ۱۹ توسط آلمان‌ها ابداع شده، سپس وارد رویه قضایی فراسنه شد و بعدها در اسناد بین‌المللی (مقررات ژنو) هم وارد شده.

در ق.ت ما هم که از ق.ت فراسنه استفاده شده است این اصل نیامده است. در تدوین مقررات ژنو می‌خواستند از طریق فرمولی دارنده سند تجاری را مورد حمایت قرار دهند. برای این کار دو تئوری ارائه شد:

(۱) تئوری فرانسوی حسن نیت - سوء نیت:

یعنی فقط دارنده دارای حسن نیت مورد حمایت است. و دارنده با سوء نیت مورد حمایت این اصل نیست.

(۲) تئوری انگلیسی عمل: حسن نیت به تنهایی کافی نیست. علم به تنهایی کافی نیست) عمل هم شرط است.

در نتیجه ترکیب هر دو تئوری وارد مقررات ژنو شد.

«دارنده با حسن نیت که عالماً به زیان صادرکننده عمل نکرده باشد»

ولی به نظر استاد این دو نظریه بازی با الفاظ است، زیرا تا زمانی که دارنده با سوء نیت اقدامی ننموده است مشکل پیش نمی‌آورد.

اگر کسی اسناد مفقود شده را پیدا کند و به بانک ارائه کند، تازه این بحث پیش می‌آید که دارای حسن نیت است یا با سوء نیت؟ ولی قبل از آن بحث سوء نیت مطرح نیست.

در تئوری حسن نیت و سوء نیت هم عمل وجود دارد. اثبات این امر هم بسیار مشکل است. و در اکثریت و قریب به اتفاق موارد به نتیجه نمی‌رسد.

ماده ۱۸

« هنگامی که ظهرنویسی دارای قید «ارزش برای وصول»، «به منظور اخذ وجه»، «برای وکالت» یا هر قید دیگری متضمن معنی ساده وکالت باشد دارنده برات می‌تواند تمامی حقوق ناشی از برات را اعمال کند. اما اگر به نوبه خود برات را ظهرنویسی کند آن ظهرنویسی تحت عنوان ظهرنویسی برای وکالت معتبر است. متعهدین برات در این نوع ظهر نویسی در قبال دارنده برات فقط می‌توانند به ایراداتی استناد کنند که علیه ظهرنویس قابل طرح باشد.

وکالت حاصل از ظهرنویسی به عنوان وکالت با مرگ موکل یا روی دادن حجر او خاتمه پیدا نمی‌کند. این ماده راجع به نوع دوم ظهرنویسی است یعنی ظهرنویسی به منظور وصول یا ظهرنویسی به منظور وکالت.

امروزه بیش از ۹۹٪ دارندگان اسناد تجاری شخصاً جهت وصول اسناد تجاری مراجعه نمی‌کنند. بلکه این کار را به اشخاصی می‌سپارند که این کار را خوب و با دقت انجام می‌دهند و افراد امینی هستند. این اشخاص بانک‌ها هستند. اگر دارنده سند شخصاً بخواهد وجه سند را وصول کند به کار دیگری نمی‌رسد. مطالبات بازرگانان مطالبات مدت‌دار است.

معاملات بین بازرگانان عرفاً مدت‌دار است. و محل تأدیه هر کدام از این مطالبات هم در جایی است، حتی اگر در یک شهر باشد در نقاط مختلف شهر است.

اگر فدی بخواهد سناد تجاری خود را شخصاً وصول کند اولاً به سایر کارهایش نمی‌رسد و باید هزینه و وقت زیادی را تلف کند ثانیاً حمل و نقل پول بسیار خطرناک است ثالثاً نگهداری پول هم سخت و دشوار است.

لذا هر تاجری که یک ذره عقل در سرش باشد برای وصول اسناد تجاری خود از بانک خودش استفاده می‌کند!

و برای این کار از ظهرنویسی به منظور وکالت استفاده می‌کنند. لذا این نوع ظهرنویسی بسیار شایع و معمول است.

وقتی این ظهرنویسی انجام می‌گیرد، لزومی ندارد که فرمول معینی به کار رود تا این ظهرنویسی به عنوان وکالت تحقق پیدا کند، بلکه هر جمله یا عبارت که معنی وکالت یا وصول بدهد درست است.

وقتی ظهرنویسی به منظور وکالت انجام می‌گیرد، کسی که سند به نفع او ظهرنویسی می‌شود. عنوان «دارنده سند» را پیدا می‌کند و تمام حقوق دارنده سند را پیدا می‌کند حق وصول دارد، اگر وصول نشد می‌تواند واخواست کند و حتی اقامه دعوی کند.

اگر ظهرنویسی بدون تصریح انجام گیرد، در حکم ظهرنویسی به منظور انتقال است.

کلیه اختیارات و حقوق دارنده سند به چنین فردی منتقل می‌شود، به جز اینکه نمی‌تواند برای انتقال و به منظور وثیقه ظهرنویسی کند. که این امر کاملاً قابل توجیه است. وقتی ظهرنویسی به منظور وکالت است دلیلی ندارد که حق انتقال و وثیقه گذاشتن سند داشته باشد.

ظهرنویسی به منظور وکالت می‌تواند انجام دهد. (حق توکیل دارد)

حق وثیقه گذاشتن و انتقال با ظهرنویسی به منظور وکالت منافات دارد به همین جهت ممنوع است. در اینجا می‌توان به روابط مبنایی استناد کرد. یعنی خواننده متعهد می‌تواند علیه ظهرنویس به روابط مبنایی خود استناد کند و لذا می‌تواند نسبت به وکیل او هم به چنین روابطی استناد نماید.

به هر حال این نوع ظهرنویسی وکالت است و کسی که به نام او ظهرنویسی شده وکیل است و اختیارات وکیل را دارد.

مطابق مقررات مدنی وکالت عقد جایز است و با فوت یا حجر موکل یا وکیل از بین می‌رود. (فسخ می‌شود)

ولی در اینجا با فوت یا حجر موکل این رابطه وکالت بر هم نمی‌خورد. اگر چنین نباشد ممکن است حقوق دارند سند جدید (بازماندگان موکل) ترضیع شود زیرا در حقوق تجارت وجه‌های قانونی خاص وجود دارد. و با انقضای مهلت‌های مقرر حقوق بازماندگان ترضیع می‌شود.

ماده ۲۴۷ ق.ت به ظهرنویسی به منظور وکالت پرداخته است.

اصل بر این است که ظهرنویسی به منظور انتقال است مگر اینکه خلاف آن تصریح شود. تردید زمانی حاصل می‌شود که ظهرنویسی سفید باشد. وگرنه در صورت ذکر عبارت اختلافی حاصل نمی‌شود.

نابراین در صورت سفید بودن و حصول اختلا، قول دارنده که مدعی ظهرنویسی به منظور انتقال است مقدم است.

معمولاً بانک‌ها برای ظهرنویسی از مهرهایی با عبارت خاص استفاده می‌نند و رسید هم می‌دهند که مبین ظهرنویسی به منظور وکالت است.

در ق.ت ما هم ذکر شده «... در این مورد انتقال واقع نشده ولی دارنده برات...» یعنی قانون تجارت هم وکیل را دارنده برات می‌داند که همان حکم کنوانسیون ژنو می‌باشد. و تمام حقوق دارنده سند هم در مورد او اجرا می‌شود.

دارنده سند هم در ظهنویسی به منظور وکالت (وکیل) حق وصول و اعتراض و اقامه دعوی دارد و برات گیر هم با پرداخت وجه به وی بری الذمه می شود. این امر یعنی حقوق دارنده سند در مورد وکیل هم بحری است.

بنابراین وکیل کلیه حقوق دارنده را دارد مگر اینکه در ظهنویسی (نه با کاغذ دیگر) آن موارد را استثناء کند. در ایران معمولاً ظهنویسی برای وصول در وجه بانکها صورت می گیرد ولی بانکها تا حد وخواست پیش می روند و تصور می کنند حق اقامه دعوی ندارند.

بانکها تصور می کنند از آنجا که مطابق قانون وکالت ۱۳۱۵، کسانی که حق اقامه دعوی به عنوان وکالت دارند، باید پرونده وکالت دادگستری یا وکالت اتفاقی داشته باشند، لذا علیرغم تصریح ماده ۲۴۷، فکر می کنند به موجب قانون وکالت عمل آنان دخالت در امر وکالت و جرم است.

ولی پاسخ صحیح این است که قانون تجارت قانون خاص است و قانون وکالت قانون عام. و عام لاحق، خاص سابق را نسخ نمی کند. لذا بانکها و هر کسی که به نفع او ظهنویسی به منظور وصول (وکالت) انجام گیرد حق اقامه دعوی و هم دارند

ماده ۱۹

«هنگامی که ظهنویسی دارای قید «ارزش برای تضمین»، «ارزش برای وثیقه» یا هر قید دیگر متضمن ارزش ضمانت باشد، دارنده برات می تواند کلیه حقوق ناشی از آن را اعمال کند، اما در صورتی که ظهنویسی توسط او انجام گیرد فقط اعتبار ظهنویسی به عنوان وکالت را دارد.

متعهدین برات نمی توانند علیه دارنده این سند به ایرادات مبتنی بر روابط شخصی خود با ظهنویس استناد کنند. مگر اینکه دارنده مذکور با تحصیل برات عالمأً به زیان بدهکار عمل کرده باشد».

در این نوع ظهرنویسی سند به عنوان وثیقه مورد استفاده قرار می‌گیرد. تاجر هر قدر از امکانات مالی خوبی برخوردار باشد این امکان وجود دارد در برهه‌هایی از زمان به پول نیاز داشته باشد.

عده‌ای هم پول دارند که دوست با این پول کار کنند مثل بانکها. بانکها استقبال می‌کنند از کسانی که با پول آنها کار کنند و به آن سود دهند. ولی برای ددن وام مطالبه تضمین می‌کنند.

لذا بانکها موظفند و مصالح آنها ایجاب می‌کند که تضمین بگیرند. (وثیقه) گرفتن وثیقه بلکی بسیار خوب است و بهترین نوع وثیقه است، ولی اولاً وثایق ملکی به اندازه کافی وجود ندارد ثانیاً تنظیم سند رسمی رهن هزینه و تشریفات سنگینی دارد.

تجار معمولاً پول را برای مدت کوتاه می‌خواهند و برای تاجر صرف نمی‌کند وثیقه ملکی بگذارد. (هزینه تنظیم سند، مفاصاحساب و ...) وثیقه مال منقول هم مطلوب نیست. زیرا وقتی وثیقه منقول مطمئن ست که تحویل وثیقه گیر باشد و آن هم نیازمند تشکیلات عریض و طویلی برای نگهداری این اموال است.

ولی وثیقه گذاشتن یک سند تجاری هزینه ندارد، بسیار سریع انجام می‌گیرد، نگهداری آن هم آسان است. بید نمی‌زند، موش هم به سراغ آن نمی‌رود، رطوبت نمی‌گیرد...!

لذاست که مقررات بین‌المللی این نوع ظهرنویسی را پذیرفته است.

سند تجاری در صورتی معتبر است و به وثیقه پذیرفته می‌شود که متعهدین آنها افراد معتبری باشند. چنین سندی قابل اسکنت هم هست.

وقتی تاجر به جای اسکنت سند را وثیقه می‌گذارد که به همه پول نیاز ندارد. مثلاً مبلغ سند ۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ است ولی او به ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ نیاز دارد. اسکنت کردن سند به طور کامل موجب پرداخت نرخ اسکنت بدون ضرورت می‌شود.

در این صورت هم کسی که به نفع او ظهرنویسی شده درانده سند محسوب می‌شود و کلیه حقوق دارنده سند را دارد به جز:

(۱) حق انتقال، ظهرنویسی به منظور انتقال

(۲) ظهرنویسی به منظور وثیقه گذاری مجدد.

اگر سررسید دین فرا رسد و مدیون مبلغ آن را بپردازد، با ظهرنویسی نسند به او منتقل می‌شود و مجدداً دارنده سند محسوب می‌شود ولی اگر در رسید دین مذکور تأدیه نگردد، در سررسید کسی که به نفع او ظهرنویسی به منظور وثیقه شده، حق دارد.

از سوی دیگر متعهدین برات نمی‌توانند در ماقبل دارنده سند به ایرادات مبنایی که در روابط شخصی که با ظهرنویسی داشته‌اند استناد کنند. یعنی اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات هم در اینجا اعمال می‌شود، زیرا دارنده شخص ثالث ذیحق در سند محسوب می‌شود.

البته دارنده باید با حسن نیت باشد یعنی عالماً سند را علیه مدیون استفاده نکند.

این نوع ظهرنویسی در قانون تجارت ایران راه یافته است.

در ق.ت ۴ ماده به ظهرنویسی اختصاص یافته است. ۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸.

این ماده ترجمه بلا تصرف و «هو بهو» چهار ماده قانون تجارت سابق فرانسه می‌باشد و در ق.ت فرانسه هم این نوع ظهرنویسی وجود نداشته است. با توجه به اینکه در قانون تجارت سکوت کرده است باید به حقوق مدنی رجوع کرد. در حقوق مدنی ما رهن عین پذیرفته شده و رهن دین جایز نیست.

ولی باید توجه داشت آنچه در ق.م آمده از فقه گرفته شده و این قاعده فقهی با مقتضیات تجاری سازگاری ندارد. امروز در روابط تجاری حرف اول را اسناد می‌زنند. در بورس اوراق بهادار ورقه سهم خرید و فروش می‌شود.

در لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت راجع به شرکتهای سهامی مصوب ۱۳۴۷، پیش‌بینی شده که مدیران شرکتهای سهامی بایستی تعدادی از سهام خود را به عنوان وثیقه به شرکت بسپارند تا در صورت بروز خسارت از عمل آنها این سهام فروخته شده و خسارت مزبور جبران گردد.

حتی در قانون عملیات بانکی بدون ربا، از انواع وثایق سفته آمده است. ولذا وقتی می‌توان سفته را برای وثیقه صادر کرد باید بتوان آن را وثیقه ظهنویسی هم کرد البته بایستی این موضوع در قانون جدید تصریح شود.

ماده ۲۰

«ظهنویسی مؤخر بر سررسید دارای آثار مترتب بر ظهنویسی قبل از سررسید است. معذک ظهنویسی متعاقب وخواست عدم تأدیه یا ظهنویسی پس از انقضای مهلت مقرر جهت وخواست فقط آثار انتقال عادی را دارا می‌باشد.

در صورتیکه دلیل مخالف موجود نباشد ظهنویسی فاق تاریخ به منزله ظهنویسی قبل انقضای مهلت مقرر برای وخواست تلقی می‌شود».

این ماده به این سوال مهم پاسخ داده که تا کی می‌توان ظهنویسی کرد؟ تا سررسید؟ یا پس از آن هم امکان ندارد؟

ظهنویسی تا زمان وخواست امکان دارد. وخواست هم پس از سررسید صورت می‌گیرد.

اگر دارنده از واخواست معاف باشد، امکان ظهرنویسی تا پایان مهلت واخواست امکان پذیر است. زیرا در برخی موارد در کنوانسیون ژنو دارنده از واخواست معاف شده است.

برای تعیین تقدم و تأخر واخواست بر ظهرنویسی بایستی تاریخ ظهرنویسی معلوم باشد. در صورتی که تاریخ ظهرنویسی معلوم نباشد فرض می‌شود که ظهرنویسی قبل از انقضای تاریخ و در مهلت انجام گرفته. البته این اماره تاب اثبات خلاف را دارد.

مبحث دوم: در قبول و نکول

ماده ۲۱

«تا هنگام سررسید دارنده برات یا هر شخصی که برات را در تصرف دارد می‌تواند، در اقامتگاه برات‌گیر برات را جهت گرفتن قبولی به وی ارائه نماید».

یکی از شرایط اساسی برات، قید نام برات‌گیر در برات است. اما صرف نوشتن نام برات‌گیر علیه او ایجاد تعهد نمی‌کند. در صورتی برات‌گیر در قبال دارنده برات متعهد به پرداخت خواهد بود که برات را قبول کرده باشد. برات برای آنکه کامل شود و بتواند به نفع دارنده آن ایجاد اعتبار کند باید مودر قبول برات‌گیر واقع شود. یعنی در کشورهای مختلف جهان در آخرین مرحله برات به دست بانکها می‌افتد. یعنی دارندگان برات و سفته سند را اسکنت می‌کنند.

بانکها مقادیر زیادی پول دارند که برای استفاده از آنها، این پول را اسکنت می‌کنند زیرا در برخی موارد این پولها را نمی‌توان در سرمایه‌گذاری بلندمدت مورد استفاده قرار داد. و بانکها بسیار راغب هستند در سررسیدهای کوتاه مدت اسناد تجاری را اسکنت کنند.

لذا بسیاری از اسناد تجاری در سررسید نزد بانکهاست.

براتی که قبول نشده قاب اسکننت نیست، زیرا تعهدی برای برات‌گیر ایجاد نکرده است. لذا به نفع دارنده است که قبل از سررسید قبولی برات را بگیرد تا بتواند از آن استفاده کند.

البته گرفتن قبولی الزامی ندارد و دارنده می‌تواند در سررسید قبولی و وجه برات را مطالبه کند. مگر اینکه در برات شرط شده باشد که دارنده باید قبولی بگیرد.

گرفتن قبولی هم مهلت مضیقی ندارد. و دارنده می‌تواند هر زمانی را که مناسب تشخیص دهد برای گرفتن قبولی اقدام کند.

لازم نیست دارنده برات شخصاً برای گرفتن قبولی اقدام کند. این کار ممکن است توسط دارنده سند به دیگری محول شود. آنچه که در زمان متداول است این است که بانکها به وکالت از دارندگان اسناد تجاری برای گرفتن قبولی اقدام می‌کنند.

برات برای گرفتن قبولی باید در اقامتگاه براتگیر به وی ارائه شود. ممکن است براتگیر در جاهای مختلف حضور پیدا کند، در هر جا که براتگیر حاضر شود، نمی‌توان برات را برای قبولی به او عرضه کرد. بلکه فقط در اقامتگاه می‌توان برات را برای قبولی ارائه کرد. زیرا براتگیر باید بتواند بررسی کند که برات دهنده بدهکار است یا خیر؟ و اسناد تجاری و دفاتر وی در اقامتگاه او وجود دارد. اگر در غیر از اقامتگاه قبول نکند، نکول محسوب نمی‌شود. در حالیکه طبق قاعده امتناع از نکول یا قبول نکو است ولی در اینجا چنین نیست.

ماده ۲۲

«در برات برات‌دهنده می‌تواند قید کند که دارنده موظف است در زمان معین یا بدون قید زمان برات را جهت اخذ قبولی ارائه نماید.

به استثنای مواردی که برات نزد شخص ثالث یا در محلی غیر از اقامتگاه براتگیر قابل تأدیه است و به استثنای موردی که سررسید برات به وعده از رؤیت تعیین شده است برات‌دهنده می‌تواند دارنده برات را از ارائه آن جهت قبولی منع کند.

همچنین برات‌دهنده ممکن است قید کند که ارائه برات برای قبولی قبل از زمان معین انجام نگیرد.

هر ظهرنویس می‌تواند قید کند که برات در زمان معین یا بدون تعیین زمان جهت اخذ قبولی ارائه شود، مگر اینکه برات‌دهنده، دارنده برات را از گرفتن قبولی منع کرده باشد».

علی‌الاصول دارنده برات می‌تواند برای گرفتن قبولی اقدام نکند و در سررسید برات را به براتگیر ارائه کند و قبولی و مطالبه وجه برات را به طور همزمان انجام دهد

برات‌دهنده ممکن است به موجب شرطی که در برات درج می‌کند دارنده برات را ملزم کند که حتماً قبولی بگیرد یا در زمان معین قبولی بگیرد.

برات‌دهنده در مقابل دارنده برات دو نوع مسئولیت دارد:

مسئولیت ناشی از عدم تأدیه

مسئولیت ناشی از نکول

طبق مقررات ژنو در صورت نکول برات دین مؤحل به دین حال تبدیل می‌شود. لذا نکول سند برای برات‌دهنده مهم است و نمی‌خواهد برای مدت زیادی هول و ولای نکول سند باشد، لذا می‌تواند شرط کند در مدت معین برای گرفتن قبولی رجوع کند.

در قسمت دوم عکس قضیه مطرح شده یعنی برات‌دهنده می‌تواند شرط کند که دارنده برات از گرفتن قبولی منع شود. یعنی نمی‌خواهد تا سررسید مورد مراجعه قرا رگید. و خیال او راحت باشد.

ارگ دارنده برات علی‌رغم این شرط مراجعه کند و تقاضای قبولی کند و برات‌گیر نکول کند، مسلماً تا سررسید حق رجوع به برات‌دهنده را ندارد.

شرط عدم مراجعه جهت گرفتن قبولی در سه مورد ممکن نیست:

۱. وقتی برات نزد شخص ثالث قابل پرداخت باشد.
۲. وقتی که برات در غیر از اقامتگاه برات‌گیر قابل پرداخت باشد.
۳. وقتی برات به وعده از رؤیت می‌باشد.

در این موارد شرط عدم رجوع کأن لم یکن تلقی می‌شود.

برات‌دهنده می‌تواند در برات شرط کند از زمان معینی به بعد جهت گرفتن قبولی مراجعه کند. فایده آن وقتی است که برات‌دهنده حین صدور برات از برات‌گیر طلب نداشته باشد و برات فاقد محل باشد/

ولی برات‌دهنده می‌داند طبق محاسبات خود در تاریخ معین محل برات تأمین می‌شود. (از برات‌گیر طلبکار می‌شود) لذا می‌تواند شرط کند پس از آن تاریخ جهت گرفتن قبولی مراجعه کند تا برات‌گیر برات را نکول ننماید.

ظهنرويس هم مي‌تواند نگران قبولي باشد و براي اخذ قبولي شروطي بگذارد ولي اگر برات‌دهنده دارنده برات را از گرفتن قبولي منع کرده ظهنرويس نمي‌تواند گرفتن قبولي را شرط کند. زيرا دارنده برات و ظهنرويس مأخوذ به همان برات است.

معادل اين ماده در ق.ت ايران نيامده ولي طبق اصل توافق اراده‌ها شرط کردن آن ممکن است.

ماده ۲۳

«براته‌اي به وعده از رؤيت بايد ظرف يكسال از تاريخ صدور جهت قبولي ارائه شود. برات‌دهنده ممکن است اين مهلت را کمتر يا زيادتر کند. ظهنرويسان فقط مي‌توانند آن را کمتر کنند».

سررسيد برات به چها طريق قابل تعيين است که يك نوع آن تعيين سررسيد به وعده از رؤيت مي‌باشد. در اين حالت دارنده برات نمي‌تواند هر وقت خواست برات را ارائه کند. بلکه بايد در مهلت‌هاي مضيق تکليف برات مشخص شود.

افرادي که چنين سندی را امضاء کرده‌اند مسئوليت دارند و بايد زودتر تکليف آنها روشن شود. لذا مهلت يكساله براي ارائه تعيين کرده است:

مهلت يكساله قاعده آمره نيست و مي‌توان خلاف آن توافق کرد.

ظهنرويس هم مي‌تواند مهلت تعيين کند ولي اين مهلت نمي‌تواند بيشتري از مهلت تعيين شده يا مهلت يكساله باشد.

اين ماده در موا ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ ق.ت ايران هم آمده است.

اگر چه مهلت کمتر در ماده ۲۷۶ نیامده ولی این مهلت حتماً باید کمتر از مهلت مقرر (توافقی یا مهلت یکساله) باشد زیرا دارنده و ظهرنویس به کلیه مندرجات سند مأخوذ هستند و اگر مهلت بیشتر تعیین کند برخلاف حقوق برات‌دهنده است.

ماده ۲۴

«برات‌گیر حق دارد تقاضا کند فردای روزی که برات ارائه شده مجدداً ارائه شود. اشخاص ذینفع نمی‌توانند ادعا کنند که به این تقاضا ترتیب اثر داده نشده است مگر اینکه عدم اجابت تقاضا در واخواست‌نامه قید شده باشد.

دارنده برات ملزم نیست برات را به تقاضای برات‌گیر نزد او باقی بگذارد».

طبق این ماده برات‌گیر می‌تواند به دارنده بگوید فردا مراجعه کن که من بینم برات را می‌توانم قبول کنم یا خیر. برات‌گیری باید بتواند بررسی کند که برات‌دهنده از او طلب دریا یا خیر. زیرا این حق کاملاً قابل توجیه است.

زیرا ممکن است در آن لحظه نتواند بررسی کند.

و دارنده برات نمی‌تواند این تقاضا را نپذیرد. این عدم قبول و نکول، نکول محسوب نمی‌شود. هر چند اصولاً امتناع از نکول و قبول، نکول محسوب می‌شو.

اگر اختلاف حاصل شد، و برات‌گیر گفت من تقاضای مهلت یکروزه کردم، ولی دارنده گفت چنین تقاضایی نکرد، حرف دارنده برات مقدم است.

تقدم قول دارنده برات اماره است و می‌توان خلاف آن را اثبات کرد. اگر برات‌گیر این معنا را در واخواست‌نامه درج نماید. خلاف آن ثابت می‌شود.

این مطلب در ماده ۲۳۵ ق.ت آمده است.

ماده ۲۵

«قبولی در خود برات نوشته می شود و با عبارت «قبول است» یا هر عبارت معادل آن محقق می یابد. قبولی به امضای براتگیر می رسد. امضای تنهای براتگیر منعکس در روی ورقه قبلوی محسوب می شود.

در صورتی که برات به وعده از رؤیت قابل پرداخت باشد یا به موجب شرط خاص مقرر شده در مهلت یعنی ارائه شود، قبولی باید مورخ به تاریخی باشد که در آن تاریخ واقع شده است مگر اینکه دارنده برات بخواهد که تاریخ ارائه برات به عنوان تاریخ قبولی تعیین گردد. در صورت فقدان تاریخ دارنده برات برای آنکه حق راجعه خود را علیه ظهرنویسان و برات دهنده حفظ کند باید عدم قید تاریخ را با ثبت و اخواست در مهلت قابل استفاده تسجیل کند».

این ماده راجع به شرایط شکلی قبول است. که دو شرط است:

(۱) کتبی بودن

(۲) انعکاس قبولی در خود برات

از نظر این مقررات قبولی شفاهی معتبر نیست، زیرا اگر قبولی را به منزله اقرار براتگیر تلقی کنیم این اقرار می تواند با شهادت شهود اثبات شود.

قبول شفاهی پس از اثبات اعتبار مدنی دارد ولی به عنوان قبولی با آثار قانون تجارت نیست.

قبولی در ضمیمه و اسناد جداگانه مورد پذیرش نیست. این مقررات سعی می:ند تا کلیه حقوق اسناد تجاری در خود آنها باشد. قبولی در سند جداگانه منشأ آثار مربوط به اسناد تجاری نیست. هر چند می تواند منشأ اثر مدنی (طبق مقررات عمومی) باشد.

تاریخ قبولی بسیار مهم است، مثلاً اگر تاجر ورشکسته شود اسنادی که پس از تاریخ توقف امضاء کرده باطل است.

یا در براتهای به وعده از رؤیت تاریخ بسیار مهم است. ولی باز هم ثبت تاریخ الزامی نیست.

قبولی روی برات یا پشت آن قابل قبول است.

امضای برات گیر روی برات ← قبولی محسوب می شود.

امضای برات گیر پشت برات ← ظهرنویس محسوب می شود. مگر اینکه تصریح به قبولی شده باشد.

عبارت قبولی می تواند به هر شکلی باشد: قبول است، چشم، به دیده منت، اشکالی ندارد و ...

اگر برات به براتگیر ارائه شود برات گیر حق دارد که از دارنده برات بخواهد مراجعه دومی انجام دهد و در مراجعه دوم موضع خودش را روشن کند.

اگر در مراجعه دوم براتگیر برات را قبول کرد، در اینجا تاریخ قبولی مراجعه اول است. زیرا اگر دفتر و دستک او همراهش بود همان روز اول قبول می کرد. محل موجود بوده ولی اطلاع نداشته است.

دارنده سند می تواند هر یک از دو تاریخ را به عنوان تاریخ قبولی محسوب نماید. یعنی می تواند تاریخ اول را تاریخ قبولی محسوب نماید. زیرا اگر مقدمات امر فراهم بود همان روز اول امضاء می کرد.

در قانون تجارت ما همین مقررات در دو ماد ۲۲۸ و ۲۲۹ آمده است.

اگر براتگیر برات را قبول کند ولی تاریخ آن را معین نکند تاریخ صدور برات به عنوان تاریخ قبولی تلقی می شود.

این هم یک مورد از موارد اماره قانونی است که خلاف آن قابل اثبات است. (ماده ۲۲۸)

قانون ایران هم صرف امضای براتگیر را قبولی می‌داند ولی نگفته روی برات. ولی قطعاً مطابق ق.ت هم امضای پشت برات ظهنویسی و امضای روی برات قبولی است.

اگر براتگیر برات به وعده از رؤیت را بدون قید تاریخ نکول می‌کند. در این ماده تکلیف روشن نیست. (در ق.ت ایران ساکت است) ماده ۲۴۳ تاریخ اعتراض را تاریخ نکول می‌داند.

در اینجا بین قانون ما و قانون ژنو اختلاف وجود دارد. در صورت قبول بدون تاریخ مطابق قانون ایران تاریخ صدور تاریخ قبول است ولی در قانون ژنو چنین [تاریخ اعتراض (واخواست)] نیست.

ماده ۲۶

«قبولی بدون قید و شرط است اما براتگیر می‌تواند آن را محدود به قسمتی از برات نماید. هر تغییر دیگری که در اثر قبول در مندرجات برات صورت گیرد به منزله نکول است با این وصف براتگیر طبق عبارات قبولی خود متعهد می‌باشد».

براتگیر برات را با در نظر گرفتن تمام شرایط باید بپذیرد یا آن را نکول کند. و نمی‌تواند تغییری در برات دهد به جز تغییر مبلغ.

با کاهش مبلغ، برات نسبت به مبلغ قبول شده قبول و نسبتاً به مازاد نکول شده است.

ماده ۲۳۲ ق.ت همین را می‌گوید.

اگر قبولی مشروط به شرط باشد، برات نکول شده محسوب می‌شود. ولی دارنده می‌تواند با در نظر گرفتن شرط علیه براتگیر اقدام کند.

ماده ۲۳۲ ق.ت ایران هم همین را می گوید.

ماده ۲۷

«در صورتی که برات دهنده در برات محلی را غیر از اقامتگاه براتگیر تعیین کرده باشد، بدون تعیین فردی که نزد وی پرداخت باید صورت گیرد. براتگیر می تواند هنگامی قبولی نام آن شخص را قید کند. در صورت عدم قید نام شخص مذکور براتگیر قبول کننده متعهد به پرداخت وجه برات در مکان تأدیه خواهد بود.

در صورتی که برات در اقامتگاه براتگیر قابل پرداخت بشود او می تواند هنگامی قبولی جای دیگری را رد آن محلی که تأدیه باید در آنجا انجام گیرد تعیین کند».

اگر محل پرداخت برات، محلی غیر از اقامتگاه براتگیر باشد، دارنده برات نمی داند به چه کسی باید رجوع کند؟

براتگیر می تواند محلی را در همان شهر به عنوان محل پرداخت تعیین کند، این شخص معمولاً بانک براتگیر است. این امر تغییر در مندرجات برات محسوب نمی شود.

براتگیر می تواند محلی را در همان شهر به عنوان محل پرداخت تعیین نماید. زیرا نمی خواهد برات را در محل اقامت خود پرداخت نماید. مثلاً هنگام قبولی می نویسد، محل پرداخت بانک ملی شعبه بازار.

ماده ۲۳۴ ق.ت این مفهوم را بیان کرده است ولی بسیار بد و از آن برداشت اشتباه می شود. از این ماده برداشت می شود که حتی براتگیر می تواند شهر را تغییر دهد ولی این کار را نمی تواند انجام دهد زیرا تغییر در مندرجات سند محسوب می شود ولی می تواند در همان شهر محل تأدیه محل دیگری را تعیین کند.

ماده ۲۸

«براتگیر قبول‌کننده متعهد است که در سررسید برات را پرداخت کند.

در صورت عدم تأدیه دارنده برات حتی اگر برات‌دهنده باشد می‌تواند علیه براتگیر یک دعوی مستقیم ناشی از برات طرح کند، برای آنچه می‌توان بر اساس مواد ۴۸ و ۴۹ مطالبه کرد».

وقتی برات صادر می‌شود قرار بر این است که وجه برات توسط برات‌گیر پرداخت شود. و به طور معمول برات‌دهنده وقتی به عهده برات‌گیر برات صادر می‌کند که محل برات را نزد براتگیر تأمین کرده باشد. چون اگر براتی بر عهده براتگیر صادر شده که محل نداشته باشد براتگیر آن را نکول می‌کند و نکول برات شدیداً به حیثیت تجاری برات‌دهنده و اشخاص دیگری که سند را امضاء کرده‌اند لطمه وارد می‌کند.

این نکته قابل تأمل است که برات‌گیر با قبول برات اقرار می‌کند معادل مبلغ تعیین شده در برات، به برات‌دهنده بدهکار است. به همین دلیل است که براتگیر قبول‌کننده در مقابل دارنده برات متعهد به پرداخت وجه برات خواهد بود.

آنچه در قسمت اول این ماده آمده در ماده ۲۳۰ ق.ت ایران هم آمده است.

با استفاده از ماد ۲۳۱ ق.ت می‌توان استنباط کرد، قبول برات اقرار براتگیر به مدیون بودن وجه برات است.

ماده ۲۳۱: قبول‌کننده حق نکول ندارد = انکار بعد از اقرار مسموع نیست.

اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات هم از این دو ماده استنباط می‌شود.

در اسناد تجاری قاعده‌ای به نام «قاعده تجریدی بودن اسناد تجاری» یعنی اسناد تجاری به ارتباط خود را با رابطه حقوقی مبنایی خود قطع کرده‌اند. هر امضائی که بر سند تجاری نقش می‌بندد مبتنی بر یک رابطه حقوقی قبلی است. مسلماً اگر این رابطه مبنایی وجود نداشته باشد امضائی در سند تجاری نقش نمی‌بندد. مطابق این قاعده، امضاء کننده سند تجاری، سند را بدون توجه به رابطه مبنایی امضاء می‌کند و این رابطه بر روی تعهد تناسی از امضای سند تجاری تأثیری نمی‌گذارد.

در قسمت دوم ماده آمده است، دارنده سند می‌تواند یک دعوای مستقل از روابط مبنایی اقامه کند. و آنچه در خصوص اسناد تجاری راجع به این سند قابل مطالبه است مطالبه نماید مثل اصل مبلغ، هزینه و اخواست، خسارت تأخیر تأدیه و ...

این دعوی را حتی برات‌دهنده‌ای که دارنده برات شده می‌تواند طرح نماید. ممکن است برات در وجه برات‌دهنده صادر شده باشد یا پس از نقل و انتقال به برات‌دهنده منتقل شده باشد.

حتی برات‌دهنده که دارنده برات شده می‌تواند علیه براتگیر قبول‌کننده دعوای مستقل تجاری طرح کند. مسلماً برات‌دهنده با براتگیر رابطه مبنایی داشته است، ولی در اینجا هم این رابطه مبنایی لحاظ نمی‌شود.

این بر خلاف چیزی است که در ماده ۱۷ بیان شده است. زیرا گفتیم که دارنده به شرطی ایرادات علیه او قابل استناد نیست، که عالماً به زیان مدیون اقدام نکرده باشد.

یعنی اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات اگر چه در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت است ولی در اینجا هم بین برات‌دهنده و براتگیر اجرا می‌شود.

سوال: آیا براتگیر می‌تواند در مقابل برات‌دهنده ایراد کند؟ آیا اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات در مقابل

برات‌دهنده (که عالماً به زیانمدیون عمل کرده) هم قابل اعمال است؟

به نظر می‌رسد در اینجا قانونگذار شدت عمل بیشتری به خرج داده است و حتی برات دهنده را هم مشمول اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات می‌داند. و براتگیر نمی‌تواند به رابطه مبنایی استناد کند.

بلکه براتگیر باید در آن دعوی محکوم شود و در دعوی جداگانه‌ای علیه برات‌دهنده طبق تئوری دارا شدن بلاجهت (Enrichissement injuste) مبلغ پرداخت شده را مطالبه نماید.

حقوق آلمان چنین نظری دارد.

حقوق بلژیک هم همین نظر را قبول دارد و براتگیر باید طبق قاعده تصفیه حساب (reglement de compte) در دعوی جداگانه به برات‌دهنده رجوع کند.

ولی حقوق فرانسه تا این حد پیش نرفته است و براتگیر می‌تواند ایرادات مبتنی بر روابط مبنایی را مطرح کند.

البته این حق فقط در مقابل برات‌دهنده که عالمماً به زیان مدیون عمل کرده قابل اعمال است.

ماده ۲۹

«اگر براتگیری که برات را قبول کرده است قبل از استرداد برات به دارنده آن روی قبولی خط بزند، قبولی رد شده محسوب می‌شود. در صورت فقد دلیل مخالف این طور فرض می‌شود که رد قبولی قبل از استرداد آن صورت گرفته است.»

با این حال در صورتی که براتگیر قبولی خود را کتباً به دارنده برات یا هر یک از امضاءکنندگان اعلام کرده باشد، مطابق شرایط قبولی در قبال آن اشخاص مسئول می‌باشد.»

این یک حالت روانی است که براین افرادی پیش می‌آید که باید اسناد زیادی را امضاء کنند. کسانی که باید اسناد زیادی را امضاء کنند معمولاً اول سند را امضاء می‌کنند بعد می‌خوانند.

چنین وضعی ممکن است برای براتگیر رخ دهد. یعنی برات را قبول کند بعد روی قبولی خط بزند. اول فکر می‌کرده مدیون است بعد متوجه می‌شود مدیون نیست. تا زمانی برات قبول شده را به دارنده نداده می‌تواند روی آن خط بزند.

اگر برات را پس از قبولی به دارنده داد نمی‌تواند آن را پس بگیرد و قبولی را خط بزند، زیرا نکول بعد از قبول که مسموع نیست.

اگر روی قبولی خط خورده باشد و اختلاف حاصل شود که خط خوردن قبل از استرداد بوده یا خیر، حرف براتگیر مقدم است. اصل این است که خط خوردن قبل از استرداد بوده است لایحه این اماره یک اماره خلاف‌پذیر است.

ممکن است براتگیر قبلاً به صورت کتبی قبولی‌اش را اعلام کرده باشد، نمی‌تواند روی قبولی خط بزند. اعلام قبولی، قبولی محسوب نمی‌شود. قبولی حتماً باید روی سند انجام گیرد.

ولی قبولی که مسبوق به قبولی کتبی قبلی باشد قابل خط زدن نیست حتی قبل از استرداد به دارنده برات.

قبولی در اوراق جداگانه اثر قبولی تجاری ندارد ولی طبق قواعد عمومی قابل رجوع است.

فصل چهارم: در ضمانت

ماده ۳۰

«پرداخت تمام یا قسمت از مبلغ برات ممکن است با ضمانت تضمین گردد.

این تضمین توسط شخص ثالث یا وسیله یکی از امضاءکنندگان برات می تواند تحقق پیدا کند».

افرادی که برات را امضاء می کنند عبارتند از:

- برات دهنده
- براتگیر قبول کننده
- ظهرنویس
- شخص ثالث قبول کننده
- افرادی ممکن است تحت عنوان ضامن در برات مداخله نمایند.

ممکن است تمام مبلغ برات تضمینی شود یا بخشی از آن. ضامن می تواند شخص ثالث باشد یا جزء کسانی باشد که قبلاً در سند مداخله کرده. یعنی یک فرد می تواند تحت دو عنوان در سند مداخله کرده باشد. مثلاً براتگیر و ضامن، ظهرنویس و ضامن، برات دهنده و ضامن.

در این صورت اگر طبق یک عنوان مسئولیت او از بین رفت طبق عنوان دیگر همچنان سوال است.

ماده ۳۱

«ضمانت در برات یا روی برگ ضمیمه به عمل می آید.

ضمانت با عبارت «برای ضمانت اعتبار دارد» یا هر عبارت معادل آن بیان می شود. ضمانت توسط ضامن امضاء می گردد.

در صورتی که امضای منعکس در روی برات به براتگیر یا برات دهنده تعلق نداشته باشد حمل بر آن می شود که متعلق به ضامن است.

در ضمانت باید قید شده باشد به نفع چه کسی داده شده است، در غیر این صورت فرض بر این می‌شود که به نفع برات‌دهنده ضمانت تحقق یافته است».

ضمانت از نظر شکلی تابع دو شرط است:

- کتبی بودن

- منعکس در برات یا روی برگ ضمیمه

قانونگذار بر آن است تا کلیه حقوق دارنده سند در خود سند جمع شود و از خود سند نشأت بگیرد. زیرا سند قابل نقل و انتقال است و باید کلیه حقوق مترتب بر آن منتقل پیدا کند. بنابراین همه تعهدات باید در خود سند باشد. ولی در برخی موارد این امر امکان‌پذیر نیست؛ زیرا سند پر شده است.

پشت سند فضای محدودی دارد و بالاخره ممکن است پر شود، به موجب همان استدلالی که در مورد ظهرنویسی هم مطرح شد، ضمانت در برگ ضمیمه هم ممکن است.

ضمانت باید روی برگ ضمیمه باشد.

برگ ضمیمه ممکن است متعدد باشد، زیرا برگ ضمیمه اول هم ممکن است پر شود.

کسی که به عنوان ضامن مداخله می‌کند باید معلوم کند تحت عنوان ضامن مداخله کرده است. یعنی عبارتی دالب بر معنای ضمانت بنویسد ولی فرمول خاصی نداد. اگر ضامن بخواهد فقط امضاء کند

امضای برات‌گیر روی برات ← قبولی

امضای هر فردی پشت برات ← ظهرنویسی

امضای هر فردی (غیر از برات‌گیر و برات‌دهنده) روی برات ← ضامن

این امارات خلاف‌پذیر هستند. و با آوردن دلیل مخالف از اعتبار می‌افتند. این ضامن هم از نظر مسئولیت و هم حقوقی که به دست می‌آورد باید معلوم نماید از چه کسی ضمانت کرده است.

در مواردی معلوم است به عنوان ضامن مداخله کرده است ولی معلوم نیست از چه کسی ضمانت کرده است، در این حالت فرض این است که به عنوان ضامن برات‌دهنده ضمانت کرده است. زیرا با این فرض افراد بیشتری برئ‌الذمه می‌شوند.

یعنی ضامن پس از پرداخت حق رجوع به برات‌دهنده را دارد ولی اگر از ظهرنویس چهارم ضمانت کند حق رجوع به ظهرنویس‌های اول تا چهارم و برات‌دهنده و براتگیر قبول را دارد.

در حقوق ایران در خصوص ضمانت بدون تعیین مضمون عنه ماده‌ای نداریم ولی می‌توان از ملاک ماده ۲۷۳ ق.ت استفاده کرد. این ماده راجع به پرداخت برات به وسیله شخص ثالث است.

اگر براتگیر در سررسید برات را پرداخت نکند و افرادی حاضر به پرداخت وجه برات باشند پیشنهاد فردی پذیرفته می‌شود. که افراد بیشتری برئ‌الذمه می‌شوند و دارنده باید پیشنهاد او را بپذیرد. و گرنه مسئول جبران خسارت خواهد بود.

مثلاً اگر یکی برات را به نفع ظهرنویس دوم و یکی به نفع برات‌دهنده می‌پردازد، باید پیشنهاد دوم را بپذیرد، زیرا در این صورت ثالث پرداخت‌کننده فقط حق رجوع به برات‌دهنده را دارد و همه ظهرنویس‌ها برئ‌الذمه می‌شوند.

با استفاده از ملاک این‌ماده می‌توان گفت، ضمانتی که مضمون عنه آن مشخص نباشد باید به گونه‌ای تفسیر شود که افراد بیشتری برئ‌الذمه شوند. یعنی همان نتیجه‌ای که در قانون یکنواخت ژنو تصریح شده است.

ماده ۳۲

«ضامن به همان صورتی مسئول است که مضمون^۱ عنه او دارای مسئولیت می باشد ضمانت ضامن معتبر است حتی اگر تعهدی که از آن ضمانت شده بر هر علتی به استثنای نقض شکلی باطل باشد.

هنگامی که ضامن برات را پرداخت می کند تمامی حقوق ناشی از برات را علیه مضمون عنه خود و علیه کسانی که در قبال مضمون عنه در ارتباط با برات مسئول هستند به دست می آورد».

آنچه در بخش اول ماده همان است که در جزء دوم ماده ۲۴۹ ق.ت.ه.م بیان شده «ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهنویسی را کرده فقط با کسی که از او ضمانت کرده مسئولیت تضامنی دارد».

یعنی مسئولیت تضامنی ضامن به طور مطلق نیست. در مورد برات دهنده، براتگیر قبول کننده در مورد شخص ثالث قبول کننده در مورد ظهنویسان مسئولیت آنان به طور مطلق تضامنی است. در حالی که در اینجا چنین قیدی وجود ندارد.

مسئولیت ضامن در کادر مسئولیت مضمون^۱ عنه او تضامنی است. یعنی با در نظر گرفتن مسئولیت مضمون^۱ عنه او هم مسئولیت دارد.

بنابراین اگر دارنده سند به علت اهمال خود نتواند به مضمون^۱ عنه مراجعه کند حق مراجعه به ضامن آن مضمون^۱ عنه را نخواهد داشت. مثلاً ظهنویسی ضامن دارد. دارنده به موقع واخواست نمی کند. بنابراین دارنده حق مراجعه به ظهنویس و به تبع آن به ضامن ظهنویس را هم از دست می دهد.

ولی به طور مطلق چنین نیست. بعضی اوقات دارنده سند به مضمون عنه حق مراجعه ندارند ولی به ضامن حق رجوع دارد.

مثلاً فردی در ایران می‌خواهد جنسی بخرد و بابت خرید آن براتی را ظهنروسی می‌کند برات‌دهنده انگلیسی و براتگیر یک شرکت بلژیکی است. فروشنده می‌گوید اگر فردی مورد تأیید من باشد و از برات‌دهنده انگلیسی ضمانت کند، قبول می‌کنم. بعد معلوم یم شود امضای برات‌دهنده انگلیسی جعل شده است. در این حالت برات‌دهنده انگلیسی مسئولیت ندارد و از دور خارج می‌شود. یا ثابت می‌شود برات‌دهنده محجور بوده است. (ایرادات قابل قبول استثنای بر اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات) ولی در چنین مواردی اگر چه حق رجوع به مضمون عنه وجود دارد.

لذا مقصود این است وقتی که به دلیل عدم انجام وظایف قانونی حق رجوع به مضمون عنه وجود ندارد به ضامن هم نمی‌توان رجوع کرد. ولی ایرادات شکلی در خصوص مضمون عنه رجوع به ضامن نیست.

طبق قاعده کلی هر کس جز برات‌دهنده (مدیون اصلی) وجه برات را پرداخت کند دارنده سند محسوب می‌شود و حق رجوع به ایادی ما قبل خود را دارد. ولی حق رجوع به ایادی ما بعد را ندارد زیرا موجب دور می‌شود.

فردی که ضامن ظهنرویس سوم شده است وجه برات را پرداخت می‌کند. او حق دارد به ظهنرویس سوم و دوم و اول و برات‌دهنده و براتگیر قبول‌کننده رجوع کند. ولی حق رجوع به ظهنرویس چهارم و پنجم را ندارد.

ضامن پرداخت‌کننده حق رجوع به مضمون^۱ عنه خود و هر کس مضمون^۲ عنه حق رجوع به او را دارد می‌تواند رجوع کند.

حتی ضامنی که علیه او طرح دعوی شده ولی پرداخت نکرده، حق رجوع دارد زیرا در غیر این صورت ممکن است مواعد قانونی بگذرد. و حقوق وی تضییع شده است.

در ق.ت ایران در خصوص ظهرنویس صراحتاً قید شده است، اگر علیه ظهرنویس اقامه دعوی شود او حق رجوع به ایادی ما قبل دارد. (ماده ۲۸۸ ق.ت) در مورد ضامن هم با استفاده از وحدت ملاک این ماده چنین است.

ضامن در مقابل آخرین دارنده برات و ایادی مابعد مضمون عنه خود نیز مسئول است. یعنی دارنده برات جز ظهرنویس ۴ و ۵ حق رجوع به ضامن ظهرنویس ۳ را دارند.

در حقوق ایران هم ضامن حق مراجعه به مضمون عنه را دارد و کسانی که مضمون عنه حق رجوع به آنها را دارد (ایادی ماقبل) با استفاده ملاک ماده ۲۸۲ ق.ت.

فصل پنجم: در سررسید

ماده ۳۳

«برات می‌تواند به صورت‌های زیر صادر شود:

- به رؤیت
- به وعده از رؤیت
- به وعده از تاریخ برات
- به سررسید روز معین

براته‌ای دارای سررسیدهایی غیر از موارد فوق و یا براتهایی که باید به اقساط پرداخت گردند باطل محسوب می‌شوند.»

برات و سفته اسنادی هستند که برای معاملات مدت‌دار مورد استفاده قرار می‌گیرند. اکثریت عظیم و قریب به اتفاق معاملات بین بازرگانان به صورت مدت‌دار انجام می‌گیرد.

بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد که تاجری جنسی را از تاجر دیگر به صورت نقد خریداری کند. اسنادی که در مورد معاملات مدت‌دار به کار برده می‌شوند عبارتند از برات و سفته.

چک قانوناً برای معاملات نقدی باید به کار گرفته شود. در ایران چک برای همه معاملات اعم از نقد و مدت‌دار مورد استفاده قرار می‌گیرد خلاف قاعده، خلاف قانون و خلاف آنچه رویه همه دنیاست می‌باشد. و بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از همین موضوع است. و آن هم به دلیل امتیازات بی‌فایده‌ای است که به چک تعلق گرفته است.

لذا تعیین سررسید در برات فوق‌العاده اهمیت دارد.

سررسید برات را می‌توان به اشکال مختلفی تعیین کرد:

- به رؤیت: که معادل «حال» است یعنی برات به محض ارائه باید تأدیه شود.

- به وعده: که در این صورت ممکن است به سه طریق سررسید تعیین شود:

- به وعده از رؤیت

- به وعده از تاریخ

- در سررسید معین

اگر چه صدور برات با سررسید برات به رؤیت درست و مجاز است ولی هیچ تاجری چنین کاری را انجام نمی‌دهد. زیرا چنین براتی برای پرداخت نقدی است.

در پرداخت نقدی به جای استفاده از برات از چک استفاده می‌کنند. حداقل فایده آن پرداخت مالیات کمتر است.

مالیات برات و سفته: ۳ در هزار

مالیات چک: مقطوع ۲۰۰ ریال برای هر قطعه چک

اگر سررسید به یکی از طرق فوق نباشد یا به اقساط باشد، این برگ برات نیست.

ماده ۳۴

«برات به رؤیت به محض ارائه قابل پرداخت است. چنین براتی باید جهت پرداخت ظرف مدت یکسال از تاریخ صدور ارائه شود. برات‌دهنده می‌تواند مهلت را کمتر یا زیادتر کند. این مواعد ممکن است وسیله ظهرنویسان کوتاه شود.

برات دهنده ممکن است مقرر بدارد که برات به رؤیت قبل از زمان معینی جهت تأدیه ارائه نگردد. در چنین موردی مهلت ارائه از آن زمان شروع می‌شود».

برات به رؤیت به محض ارائه قابل پرداخت است. البته به شرط آنکه برات‌گیر آن را قبول کند و گرنه بدون قبول براتگیر مسئولیتی ندارد. براتگیر می‌تواند برات به رؤیت را هم نکول کند.

ماده ۲۴۲ ق.ت.هم می‌گوید «هر گاه برات بی وعده (برات به رؤیت) قبول شد باید بلافاصله پرداخت گردد».

اگر سررسید برات به رویت بود دارنده برات مکلف است برات را ظرف مدت مقرر قانونی به براتگیر ارائه نماید و وجه آن را مطالبه کند.

این موعد مقرر قانونی یکسال از تاریخ صدور است. (ماده ۲۷۴ ق.ت هم همین حکم را مقرر می‌دارد)
این مهلت یکسال جنبه آمرده ندارد و برات دهنده می‌تواند آن را کمتر یا بیشتر کند. (از ماده ۲۷۵ ق.ت و وحدت ملاک آن این حکم استنباط می‌شود)

برات‌دهنده نمی‌خواهد برای مدت طولانی مسئولیت تضامنی داشته باشد و می‌خواهد هر چه زودتر از این مسئولیت رهایی یابد به علاوه ممکن است براتگیر امروز تا یک سدی برات را بپردازد ولی معلوم نیست در یک سال بعد براتگیر وجه را بپردازد یا ورشکسته نشده باشد. لذا معمولاً این مهلت کمتر می‌شود.
ظهرنویسان می‌توانند این مهلت را کوتاه کنند ولی حق افزایش آن را ندارند، زیرا ظهرنویسان به کلیه مندرجات برای مأخوذ است.

برات دهنده می‌تواند در برات مقرر نماید که از یک تاریخ به بعد به براتگیر رجوع نماید. در برات به رویت محل برات از ابتدا نزد براتگیر تأمین شده است ولی این مهلت برای این است که براتگیر غافلگیر نشود. زیرا مهلتی برای فکر کردن ندارد و به محض رویت باید بپردازد ولی در این مهلت برات دهنده می‌تواند به او اطلاع دهد. مهلت یکسال از این تاریخ شروع می‌شود.

ماده ۳۵

«سررسید برات به وعده از رؤیت یا به وسیله تاریخ قبولی یا توسط تاریخ اعتراض تعیین می‌شود.
در صورت نبودن اعتراض قبولی بدون تاریخ در قبال براتگیر قبول‌کننده حمل بر این می‌شود که آخرین روز مهلت مقرر جهت قبولی صورت گرفته است».

وقتی سررسید برات به وعده از رؤیت باشد باید تاریخ رؤیت معلوم باشد وگرنه تاریخ سررسید هم معلوم نیست. پس در مورد براتهای به وعده از رؤیت تاریخ نقش بسیار اساسی ایفا می‌کند. با این وجود تاریخ در قبولی شرط الزامی نیست.

اگر قبولی بدون قید تاریخ انجام گیرد. تاریخ ثبت و اخواست به عنوان تاریخ قبولی محسوب می‌شود. یعنی برات حتماً باید و اخواست شود. در حقوق ایران تاریخ صدور تاریخ رؤیت محسوب می‌شود (ماده ۲۲۸)

اگر اخواست مطابق مقررات ژنو لازم نباشد (به موجب مقررات ژنو برات‌دهنده می‌تواند به موجب شرطی در برات دارنده برات را از اخواست معاف نماید. ولی در حقوق ما چنین شرطی نمی‌توان در برات قید شود و چنین شرطی باطل است. زیرا اخواست هزینه‌بردار است لذا این قاعده یک قاعده آمره است) و برات به وعده از رؤیت هم بدون قید تاریخ قبول شده است چنین فرض می‌شود که قبولی در آخرین روز مهلت مقرر انجام شده است.

ماده ۳۶

«سررسید براتی که به وعده یک یا چند ماه از تاریخ صدور یا تاریخ رؤیت صادر شده مقابل ماهی است پر داخت باید در آن انجام گیرد. در صورت نبودن تاریخی که بتوان سررسید را با آن مطابقت نمود سررسید آخرین روز آن ماه محسوب می‌شود.

چنانچه برات به وعده یک یا چند ماه و نیم از تاریخ صدور یا تاریخ رؤیت صادر شود در محاسبه ابتدا ماههایی که کال هستند در نظر گرفته می‌شود.

موقعی که سررسید آغاز یا وسط (نیمه ژانویه، نیمه فوریه غیره) یا آخر ماه تعیین شده باشد منظور از این اصطلاحات ابتدا، پانزدهم و آخرین روز ماه است.

اصطلاحات «هشت روز» یا پانزده روز مبین یک یا دو هفته نیست بلکه یک مهلت هشت روزه یا پانزده روزه واقعی می باشد.

اصطلاح «نیم ماه» متضمن یک مهلت پانزده روزه است.

این مقررات، مقررات بین المللی است. ولی در حقوق داخلی هم می تواند انجام گیرد. برات به وعده ممکن است از رؤیت یا از تاریخ صدور باشد.

اگر تاریخ صدور ۲۹ بهمن ۸۵ باشد و سررسید برات دو ماه از تاریخ صدور باشد. سررسید آن ۲۹ فروردین ۸۶ خواهد بود.

اگر تاریخ سررسید در آن ماه وجود نداشته باشد آخرین روز آن ماه محسوب می شود. اگر تاریخ صدور ۳۱ شهریور و سررسید آن دو ماه از تاریخ صدور باشد، سررسید ۳۰ آبان است.

اگر وعده چند ماه و نیم باشد، ابتدا ماه کامل را محاسبه می کنیم و پانزده روز به آن اضافه می کنیم.

تاریخ صدور ۲۰ شهریور ← دو ماه نیم از تاریخ صدور ← ۵ آذر

اول ماه: ۱ ماه

آخر ماه: آخرین روز ماه (۲۹ یا ۳۰ یا ۳۱ ماه)

وسط ماه: پانزدهم ماه

هشت روز: یک هفته نیست (۸ روز تمام)

۱۵ روز: دو هفته نیست (۱۵ روز تمام)

نیم ماه: ۱۵ روز

ماده ۳۷: «در صورتی که براتی در روز معین در محلی قابل پرداخت است که تقویم آن محل با تقویم مکان صدور تفاوت دارد این طور فرض می‌شود که تاریخ سررسید بر اساس تقویم محل پرداخت تعیین شده است.»

اگر برات به وعده از تاریخ صدور بین دو محل صادر شده که تقویم آنها متفاوت باشد روز صدور مقابل روز تقویم محل پرداخت قرار داده می‌شود و بدین ترتیب سررسید تعیین می‌شود.

مهلت‌های مقرر جهت ارائه برات مطابق مقررات پاراگراف فوق تعیین می‌شود.

در صورتی که شرط پیش‌بینی شده در برات و یا حتی مندرجات سند نشان دهد که قصد این بوده مقررات دیگری مجری باشد این مقررات اعمال نمی‌شود.»

برات یک سند پرداخت بین‌المللی و این مقررات بین‌المللی هستند. اگر سررسید برات به وعده از تاریخ صدور باشد و کشور محل صدور و محل پرداخت دو کشور با تقویم‌های مختلف باشد.

اگر محل صدور کویت و تاریخ صدور ۱۵ رمضان و محل پرداخت امارات باشد و سررسید هم یک ماه پس از صدور باشد و در امارات ۱۵ رمضان کویت، ۱۴ رمضان باشد، در این حالت:

۱۵ رمضان کویت که ۱۴ رمضان در امارات است مبدأ محاسبه یک ماه قرار می‌گیرد. (پاراگراف دوم)

(پاراگراف اول)

این مقررات جنبه تکمیلی دارد نه جنبه آمره و می‌توان بر خلاف آنها توافق کرد.

فصل ششم: در پرداخت

ماده ۳۸

«دارنده برات به وعده از تاریخ معین یا به وعده از تاریخ صدور یا به وعده از رؤیت باید برات را جهت پرداخت یا روز سررسید یا یکی از دو روز غیرتعطیلی (کاری متعاقب آن) ارائه نماید.

ارائه برات به یک اتاق پایاپای به منزله ارائه آن جهت پرداخت تلقی می‌شود».

اولین وظیفه دارنده برات در سررسید برات را ادامه نماید. در ماده ۲۷۹ ق.ت آمده است که در سررسید باید وجه برات را مطالبه نماید. این عبارت صحیح نیست زیرا بدون ارائه برات مطالبه وجه آن هیچ تکلیفی برای براتگیر ایجاد نمی‌کند.

در قانون ایران برات باید در سررسید مطالبه شود ولی در مقررات ژنو آمده است روز سررسید یا ظرف دو روز غیر تعطیل آینده. یعنی مهلت بیشتری برای دارنده قرار داده است.

در بانکها اتاقی به نام اتاق پایاپای بوجود آمده است. یعنی به طور فیزیکی پول از یک حساب به حساب دیگر واریزی نمی‌شود.

وصول چک بین بانکها از طریق اتاق پایاپای انجام می‌گیرد. در اتاق پایاپای نمایندگان تام‌الاختیار تمام بانکها حضور دارند. نماینده بانک وصول کننده چک آن بانک را از آن حساب بستانکار می‌کند و نماینده بانک محالاً علیه هم بانک را به آن بانک بدهکار می‌کند.

این کار تا پایان وقت اداری انجام می‌گیرد. و در پایان حساب بین بانکها تسویه می‌گردد و بانکی که به بانک دیگر بدهکار شده است با صدور چک عهده بانک مرکزی بدهی خود را پرداخت می‌کند.

تمام بانکها شعب اتاق پایاپای هستند. ارائه برات به بانک برای وصول به منزله ارائه به براتگیر برای مطالبه وجه آن است.

ماده ۳۹

«براتگیر حق دارد با پرداخت برات از دارنده برات بخواهد که برات را با قید دریافت وجه به او تسلیم نماید. دارنده برات نمی‌تواند پرداخت قسمتی از برات را رد کند.

در صورت پرداخت قسمتی از برات می‌تواند تقاضا کند که این پرداخت در برات قید شود و رسیدی هم به او داده شود».

براتگیر می‌خواهد برات را پرداخت کند. در این صورت می‌تواند از دارنده بخواهد هم برات را به او تسلیم کند و هم در آن قید کند وجه برات وصل شد. وجود اصل برات در دست براتگیر اماره پرداخت وجه آن است. ولی خلاف آن قابل اثبات است. لذا برای محکم‌کاری می‌تواند از او بخواهد پرداخت وجه را در برات بنویسد.

دارنده برات نمی‌تواند پرداخت قسمتی از مبلغ برات رد کند. که کاملاً خلاف قانون مدنی است. مدیون نمی‌تواند دائن را به قبلو بخشی از مبلغ دین مجبور نماید».

در این حالت براتگیر می‌تواند از دارنده برات بخواهد که اخذ مبلغ مأخوذه را در برات قید نماید، به علاوه در مقابل آن مبلغ به براتگیر هم رسید بدهد.

ماده ۴۰

« دارنده برات را نمی‌توان مجبور کرد که قبل از سررسید وجه برات را دریافت کند.

براتگیری که قل از سررسید برات را می‌پردازد به ضرر خود اقدام می‌نماید.

کسی که در سررسید برات را پرداخت می‌کند قانوناً برئ الذمه شناخته می‌شود، مگر اینکه از ناحیه او تقلبی صورت گرفته و یا اینکه مرتکب تقصیر سنگینی شده باشد، بر اوست که منظم بودن رشته ظهرنویسی‌ها را بررسی کند، لیکن بر عهده او نیست که صحت امضاءات ظهرنویسان را کنترل کند».

در حقوق تجارت این قاعده وجود دارد که هر کسی بدهی خود را زودتر از زمان مقرر پرداخت می‌کند بر اساس نرخ تنزیل مبلغی از آن کسر می‌شود. دارنده برات می‌تواند از دریافت زودتر تنزیل شده خودداری کند و در سررسید پول خود را به صورت کامل دریافت دارد.

البته اگر براتگیر تمام مبلغ برات را (بدون تنزیل) پرداخت نماید. به نظر می‌رسد خودداری از دریافت درست نباشد بلکه براتگیر می‌تواند زودتر از موعد کل مبلغ برات را به صندوق دادگستری بسپارد و برئ الذمه شود.

پس مقصود از بخش اول ماده پرداخت مبلغ تنزیل شده زودتر از موعد است. وگرنه درمقابل پرداخت کل مبلغ برات خودداری از دریافت وجهی ندارد

پرداخت کننده اگر زودتر از سررسید پرداخت کند، ممکن است مجبور شود دوباره پرداخت کند. زیرا این اسناد معمولاً به صورت در وجه حامل یا در حکم آن در می‌آید. و ممکن است دارنده واقعی سند را از دست بدهد، گم کند یا به سرقت رود، یا به زور از دارنده اخذ شود، برای جلوگیری از پرداخت و اثبات حق خودش دارنده باید به مرجع قضایی صالح مراجعه کند و این کار زمان می‌برد.

براتگیری که مبلغ را زودتر از سررسید به دارنده پرداخته، اگر بعداً معلوم شود برات مفقودی، سرقتی و ... باشد او را برئ الذمه نمی‌کند. ولی اگر پرداخت در سررسید باشد، این پرداخت او را برئ الذمه می‌کند.

ماده ۲۵۶ ق.ت هم مقرر می‌دارد پرداخت زودتر از موعد براتگیر را بری‌الذمه نمی‌کند. پرداخت در سررسید است که براتگیر را بری‌الذمه می‌کند.

ماده ۲۵۸ هم مقرر می‌دارد پرداخت در سررسید فرد را بری‌الذمه می‌کند به شرط اینکه مال نزد او توقیف نشده باشد.

قانون ژنو پرداخت در سررسید را موجب بری‌الذمه شدن براتگیر می‌داند، به شرط اینکه براتگیر مرتکب تقصیر عمدی یا تقلب شده باشد.

تقلب وقتی است که براتگیر می‌داند برات سرقتی، مفقودی، ... است یا وجه سند در توقیف است ولی براتگیر آن را می‌پردازد.

تقصیر عمدی یا بی احتیاطی سنگین وقتی است که وجه سند را به کسی می‌پردازد که از روی ظاهر او نمی‌تواند صاحب سند محسوب شود. مثلاً براتی ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ در دست یک فرد معتاد و موادی است.

براتگیر در سررسید مسئولیتی ندارد و صحت امضاءها را کنترل کند. بلکه براتگیر فقط باید رشته ظهرنویسی‌ها را کنترل کند که این ظهرنویسی‌ها منظم باشد.

بر خلاف تصور که صدور اسناد در وجه شخص معین از امنیت کافی برخوردار است، در عمل چنین نیست و ممکن است سند به سرقت رود و با امضای جعلی ظهرنویسی شد.

ماده ۴۱

«هنگامی که برات با پول قابل تأدیه است که در محل پرداخت رایج نیست. مبلغ برات با پول محل پرداخت به قیمت روز سررسید پرداخت می‌شود. در صورتی که مدیون در سررسید وجه برات را پرداخت

نمایند، دارنده برات می‌تواند به انتخاب خود در خواست کند که برات به پول رایج کشور مکان تأدیه بر اساس نرخ روز سررسید یا نرخ روز پرداخت به او تأدیه شود.

عرف و عادت محل پرداخت ملاک تعیین ارزش پول خارجی می‌شود. با این وصف برات دهنده ممکن است قید کند که مبلغ قابل تأدیه بر اساس نرخ مقرر در برات محاسبه شود.

قررات فوق الذکر در موردی که برات دهنده شرط کرده باشد که پرداخت باید به پول رایج معینی صورت گیرد مجری نیست. (شرط پرداخت واقعی به پول خارجی)

هر گاه مبلغ برات عبارت باشد از پولی که در کشور محل صدور برات و کشور محل پرداخت دارای یک نام با ارزش متفاوت باشد، این طور فرض می‌شود که نظر به پول محل پرداخت بوده است.

مبلغ برات می‌تواند پول رایج هر کشوری باشد. و کاملاً به توافق طرفین بستگی دارد.

هنگام صدور برات هر پولی می‌تواند نوشته شود. ولی هنگام پرداخت ممکن است مشکل رخ دهد. مثلاً پول مندرج در برات در کشور محل تأدیه رایج نباشد و تهیه آن نیز برای فرد ممکن نباشد. مثلاً خرید و فروش ارز در انحصار دولت است و دولت هم تحت شرایط خاصی ارز می‌فروشد.

در اینجا می‌توان مبلغ مندرج در برات را به پول رایج در کشور محل پرداخت محاسبه و پرداخت نمود. قانون پولی و بانکی هم همین اجازه را در حقوق ایران می‌دهد.

اگر براتگیر در تاریخ سررسید وجه سند را پرداخت نکند و پس از اقامه دعوی و صدور حکم بخواهد بپردازد. در این مورد اگر قیمت پول خارجی در این مدت تغییر کرده باشد. دارنده می‌تواند قیمت روز سررسید یا روز تأدیه را انتخاب نماید. یعنی هر کدام که به نفع اوست را می‌تواند انتخاب کند.

این علاوه بر خسارت تأخیر تأدیه است.

بر مبنای نرخ اسکننت که توسط بانکها اعلام می‌شود پول خارجی به پول ملی تبدیل می‌شود. البته علاوه بر آن صرافی‌ها هم تبدیل پول را انجام می‌دهد ولی معمولاً نرخ بانک و نرخ بازار کمی با هم متفاوت است. ملاک تشخیص نرخ تبدیل عرف است.

اگر در سند تصریح شده باشد که فقط باید به یک پول خاص پرداخت شود، باید این شرط رعایت شود. اگر در سررسید امکان پرداخت آن پول خاص نباشد مکلف کردن براتگیر به تهیه آن پول تکلیف مالایطاق خواهد بود.

ممکن است در کشور محل صدور برات و محل پرداخت برات واحد پول یکسان باشد ولی ارزش متفاوت باشد (ریال ایران و عربستان/ دلار آمریکا و کانادا) در این صورت وجه برات بر مبنای واحد پول محل پرداخت محاسبه می‌شود. مثلاً صورت وجه برات بر مبنای واحد پول محل پرداخت محاسبه شود. مثلاً اگر محل صدور آمریکاست و مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ دلار است و محل پرداخت کاناداست بادی ۱۰۰،۰۰۰ دلار کانادا پرداخت شود.

ماده ۴۲

«در صورت عدم ارائه برات جهت پرداخت در مهلت مقرر در ماده ۳۸ هر یک از متعهدین می‌تواند مبلغ برات را در صندوق سپرده مقامات ذیصلاح به هزینه و مسئولیت دارنده برات ایداع نماید».

طبق ماده ۳۸ دارنده برات باید برات را در سررسید یا حداکثر ۲ روز پس از آن برات را ارائه و وجه آن را مطالبه نماید. اگر دارنده این کار را نکرد، در این صورت براتگیر یا هر یک از متعهدین می‌تواند مبلغ برات را به صندوق مخصوص سپردن وجوه بسپارد.

این صندوق یک صندوق دولتی است. مثل صندوق دادگستری در ایران. ولی مشکل صندوق دادگستری ایران این است که دریافت وجه از این صندوق‌ها به دشواری صورت می‌گیرد. با پرداخت متعهد به این صندوق، او برئ الذمه می‌شود.

فصل هفتم: حق مراجعه در مور نکول یا عدم تأدیه

ماده ۴۳

«دارنده برات می‌تواند حق مراجعه خود را علیه ظهرنویسان برات‌دهنده و سایر متعهدین اعمال کند:

۱. در سررسید:

در صورتی که پرداخت انجام نشده باشد.

حتی قبل از سررسید: چنانچه تمام یا قسمتی از برات نکول شده باشد.

۲. در صورت ورشکستگی براتگیر خواه برات را قبول کرده یا نکرده باشد یا در صورت توقف

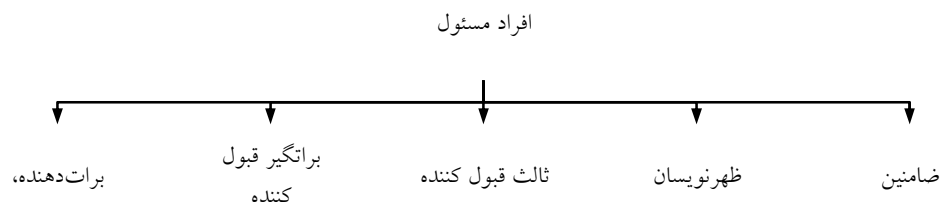
پرداخت بدهی او حتی اگر این توقف در پرداخت با حکم دادگاه تسجیل نشده باشد، یا در صورت

توقیف اموال او که غیر کافی به نظر برسد.

۳. در صورت ورشکستگی برات‌دهنده در مورد براتی که در آن قید شده گرفتن قبولی لازم نیست».

همه امضاء کنندگان اسناد تجاری در مقابل دارنده سند مسئولیت تضامنی دارند. این مسئولیت هم قبل از

سررسید است و هم بعد از سررسید.



در سررسید: در صورت عدم پرداخت دارند می تواند به همه افراد فوق رجوع کند. اگر یکی از این افراد در سررسید وجه را پرداخت سایر افراد برئ الذمه می شوند.

ولی اگر پرداخت صورت نگیرد، دارنده می تواند به همه آنها مراجعه کند به شرط اینکه به وظیفه قانونی خود عمل کرده باشد.

قبل از سررسید: قبل از سررسید در موارد ذیل دارنده برات حق رجوع به مسئولین را دارد:

۱. وقتی براتگیر برات را کلاً یا جزئاً نکول کند، دارنده حق رجوع به همه مسئولین را دارد. در حقوق ایران دارنده اول باید ضامن بخواهد و اگر برات دهنده ضامن نداد دین مؤجل به دین حال تبدیل می شود. که با کنوانسیون ژنو متفاوت است

۲. در صورت ورشکسته شدن براتگیر حتی اگر برات نکول نشده باشد. زیرا برات به اعتبار براتگیر صادر می شود. و با ورشکسته شدن وی طبعاً امکان پرداخت وجود ندارد و دارنده برات داخل در غرماء است.

• همچنین اگر براتگیر دچار توقف شده باشد. حتی اگر حکم صادر نشده.

• یا در صورت توقیف اموال براتگیر اگر این اموال کافی به نظر نرسد.

این وضعیتها مربوط به کشورهای مختلف است.

۳. ورشکسته شدن برات دهنده ای که در برات قید کرده اخذ قبولی لازم نیست.

در حقوق ایران ← دو ماده ۴۲۱ و ۴۲۲ قابل توجه است

در صورت ورشکسته شدن براتگیر دین مؤجل به دین حال تبدیل می شود (با رعایت تخفیفات) ماده ۴۲۱

در صورت ورشکسته شدن برات دهنده (ماده ۴۲۲)

دارنده می تواند به سایر مسئولین مراجعه نماید و از آنها طلب تأمین نماید و اگر تأمین ندارند، دین مؤجل تبدیل به دین حال می شود.

البته تأمین می تواند وجه نقد، تضمین و ... باشد.

ماده ۴۴

«خودداری از قبول یا امتناع از تأدیه باید به موجب یک سند رسمی تسجیل شود. (اعتراض نکول یا اعتراض عدم تأدیه)

اعتراض نکول باید به شرح مهلت های مقرر جهت ارائه برات جهت اخذ قبولی صورت گیرد. اگر در مورد پیش بینی شده در ماده ۲۴ قسمت اول نخستین ارائه در آخرین روز مهلت انجام گیرد اعتراض می تواند فردای آن روز تنظیم و ثبت شود.

اعتراض عدم تأدیه برات قابل پرداخت در روز معین یا برات به وعده از تاریخ صدور یا برات به وعده از رؤیت باید در یکی از دو روز غیر تعطیلی متعاقب تاریخی که برات قابل پرداخت می باشد صورت گیرد. اگر مورد عبارت باشد از برات به رؤیت اعتراض باید در شرایط مقرر در پاراگراف فوق الذکر راجع به اعتراض نکول انجام پذیرد.

اعتراض نکول دارنده برات را از ارائه جهت پرداخت و اعتراض عدم تأدیه معاف می کند.

در مورد توقف براتگیر در پرداخت بدهی‌هایش اعم از اینکه وی برات را قبول کرده باشد یا نکرده باشد یا در مورد توقیف اموال وی که کافی جهت تأدیه دیونش نباشد درارنده برات نمی‌تواند حق مراجعه خود را اعمال کند مگر پس از ارائه برات به براتگیر برای مطالبه وجه آن و پس از تنظیم اعتراض.

در موردی که حکم ورشکستگی براتگیر صادر شده باشد خواه او برات را قبول کرده یا نکرده باشد، همچنین در موردی که حکم ورشکستگی برات‌دهنده‌ای که در برات صادر شده توسط او قید گردیده که گرفتن قبولی ضرورت ندارد اعلام شده باشد، حکم اعلام کننده ورشکستگی کافی است برای این که به دارنده برات امکان دهد که حق مراجعه خود را اعمال کند.

همان طور که در حقوق ایران هم مقرر شده دو نوع اعتراض عمدتاً مطرح است، یکی اعتراض نکول و دیگری اعتراض عدم تأدیه.

کلمه واخواست معادل کلمه اعتراض است.

اگر براتگیر برات را نکول کند و یا در سررسید از پرداخت برات خودداری کند، دارنده برات باید واخواست کند حسب مورد واخواست نکول یا واخواست عدم تأدیه خواهد بود.

پس واخواست به طور رسمی نکول یا عدم تأدیه را تسجیل می‌کند.

واخواست نکول

اثر واخواست نکول این است که به دارنده سند امکان می‌دهد که قبل از سررسید بتواند حق رجوع خود را اعمال کند.

طبق قانون ژنو، با نکول دین مؤجل به دین حال تبدیل می‌شود.

طبق قانون ایران، ماده ۲۳۷، دارنده می‌تواند از برات‌دهنده ضامن بخواهد و اگر نداد دین مؤجل حال می‌شود.

در قانون ما مهلت وخواست صریحاً مقرر نشده است. معمولاً وقتی گفته نشده در فاصله بین نکول و سررسید دارای فایده است و گرنه پس از سررسید خود به خود حق مراجعه بوجود می‌آید.

درکنوانسیون ژنو آمده است که در فاصله بین نکول و سررسید باید وخواست صورت گیرد که در قانون ایران هم می‌تون از آن استفاده کرد.

در مورد براتهای به وعده از رؤیت ظرف یکسال از تاریخ صدور باید برای قبولی رجوع کند و در همین مهلت باید وخواست نکول صورت گیرد.

البته مهلت یکسال ممکن است که یا زیاد شود که مهلت وخواست هم کم یا زیاد می‌شود.

اعتراض عدم تأدیه

اعتراض عدم تأدیه باید ظرف یکی از د و روز غیر تعطیل مهلت ارائه برات برای مطالبه وجه آن صورت گیرد.

مطابق قانون ژنو، دارنده برات باید برات را در تاریخ سررسید و حداکثر ظرف دو روز پس از سررسید به براتگیر ارائه کند و وجه آن را مطالبه نماید.

اگر این سند با عدم پرداخت رو به رو شود، دارنده سند برای ثبت وخواست دو روز مهلت دارد.

ولی ضمیمه شماره ۲ کنوانسیون اول ژنو به کشورها اجازه می‌دهد این مهلت را تغییر دهند.

دولت فرانسه این مهلت را ۱۰ روز تعیین کرده. در حقوق ایران هم این مدت ده روز است.

در صورتی که سررسید برات به رؤیت باشد (طبق قانون ایران و ژنو) دارنده یکسال فرصت دارد برات را به براتگیر ارائه کند و وجه آن را مطالبه کند. وخواست عدم تأدیه هم باید در همین مدت یکسال انجام گیرد.

نکول برات یعنی عدم پرداخت در سررسید، لذا لازم نیست در سررسید برات را برای مطالبه وجه ارائه کند و نیازی هم به وخواست عدم تأدیه نیست. زیرا این کار لغو و بیهوده است.

قانون تجارت ایران عکس این مطلب را مقرر داشته است. و حتی در صورت وخواست نکول مراجعه در سررسید و وخواست عدم تأدیه ضروری است که حرف بی ربطی است و منجر به پرداخت هزینه اضافی می شود.

اگر براتگیر دچار توقف شده باشد یا اموال براتگیر توقیف شده باشد و معلوم شود کافی برای پرداخت دیونش نیست، دارنده هم باید برات را برای مطالبه وجه آن ارائه کند و هم وخواست عدم تأدیه انجام دهد. ولی در این جا اگر حکم ورشکستگی صادر شده باشد کار وخواست عدم تأدیه را انجام می دهد. ولی قانون ایران حتی در صورت صدور حکم ورشکستگی، وخواست عدم تأدیه را لازم می داند که حرف بی ربطی است.

اطلاعیه

ماده ۴۵

«دارنده برات باید اطلاعیه در خصوص نکول یا عدم تأدیه برای ظهنویس خود یا برات‌دهنده ظرف مدت ۴ روز غیر تعطیلی متعاقب روز اعتراض یا روز ارائه برات در صورت وجود شرط مراجعه بدون هزینه ارسال دارد. هر ظهنویس باید ظرف دو روز غیرتعطیلی متعاقب تاریخ که اطلاعیه مذکور را دریافت کرده

مراتب وصول اطلاعیه را با قید نام و آدرس کسانی که اطلاعیهها فوق الذکر را فرستاده‌اند به ظهرنویس ما قبل خود اعلام نماید و این ترتیب ادامه پیدا کند تا برسد به برات دهنده. مهلت‌های مقرر در فوق از تاریخ دریافت اطلاعیه مذکور شروع می‌شود.

هنگامی که مطابق بند فوق اطلاعیه به یکی از امضاء کنندگان برات داده می‌شود همین اطلاعیه باید در همان مدت به ضامن او هم داده شود.

در موردی که یکی از ظهرنویسان آدرس خود را مشخص نکرده باشد یا آن را به صورت غیرخوانا تعیین نموده باشد، کافی است که اطلاعیه به ظهرنویس ما قبل او داده شود.

شخصی که وظیفه دارد به ارسال اطلاعیه اقدام کند می‌تواند آن را به هر شکلی که بخواهد بفرستد حتی با برگشت دادن صرف برات.

شخص موظف به ارسال اطلاعیه باید ثابت کند که ظرف مهلت مقرر اقدام کرده است. در صورتی که نامه خصوصی متضمن اطلاعیه در مهلت پیش‌بینی شده به پست داده شده باشد، این طور فرض می‌شود که رعایت مهلت به عمل آمده است.

کسی که در مهلت مقرر در فوق مبادرت به دادن اطلاعیه نکرده باشد، چیزی را از دست نمی‌دهد اما اگر در اثر اهمال او خسارتی وارد شده باشد مسئول جبران آن است، بدون آنکه غرامت از مبلغ برات تجاوز کند».

واخواست عدم تأدیه و نکول به براتگیر ابلاغ می‌شود. در حالیکه در اسناد تجاری غیر از براتگیر و صادرکننده اشخاص دیگری تحت عناوین متفاوت دخالت کرده‌اند و با دخالت خود قبول مسئولیت تضامنی کرده‌اند.

فقط براتگیر و صادر کننده که واخواست به او ابلاغ می‌شود اطلاع از نکول یا عدم تأدیه پیدا می‌کنند.

برای این که سایر مسئولین غافلگیر نشوند، قانونگذار بین‌المللی مقرر داشته، دارنده سند باید اطلاعیه‌ای ارسال نماید. این اطلاعیه از سوی دارنده به ید ما قبل ارسال می‌شود و همین طور ادامه پیدا می‌کند تا به صادر کننده برسد. بدین ترتیب همه ایادی از نکول یا عدم تأدیه مطلع می‌شوند.

اگر اطلاعیه‌ای برای یکی از مسئولین ارسال می‌شود باید همان اطلاعیه را برای ضامن او هم ارسال شود.

مهلت ارسال این اطلاعیه

۴ روز از تاریخ وخواست برای دارنده

۲ روز از تاریخ وصول اطلاعیه برای سایر مسئولین

این اطلاعیه تشریفات خاصی ندارد ولی باید کتبی باشد.

در حقوق ایران هم ارسال اطلاعیه پیش‌بینی شده (ماده ۲۸۴ و ۲۸۵) ولی در ایران فرم اطلاعیه مهم است و اطلاعیه باید به موجب اظهارنامه یا نامه سفارشی دوقبضه باشد. مهلت ارسال هم ۱۰ روز است.

۱۰ روز از تاریخ وخواست برای دارنده

۱۰ روز از تاریخ وصول اطلاعیه برای سایر مسئولین

در مورد ضمانت اجرای این مواد در حقوق ایران بین قضات اختلاف حاصل شد.

- یک شعبه دادگاه شهرستان رأی داد که دارنده در صورت عدم انجام این وظیفه حق

مراجعه به امضاء کنندگان - که اطلاعیه برای آنها ارسال نشده - را ندارد.

- شعبه دیگر دادگاه شهرستان رأی داد که در صورت عدم ارسال اطلاعیه حق رجوع به سایر

مسئولین از بین نمی‌رود.

موضوع در هیئت عمومی دیوان مطرح شد و نظر دوم به عنوان رأی وحدت رویه صحیح تشخیص داده شد. یعنی ضمانت اجرای عدم ارسال اطلاعیه این نیست که دارنده حق مراجعه خود را به سایر امضاء کنندگان از دست می‌دهد.

لذا در ایران م مثل مقررات ژنو و کشورهای سوئیس و فرانسه ضمانت اجرا عدم حق رجوع به امضاء کنندگان نیست.

مسئله مواد ۲۸۴ و ۲۸۵ نسخ نشده است زیرا دیوان اصلاً صلاحیت نسخ قانون را ندارد. بلکه از این رأی این مطلب استنباط می‌شود که ضمانت اجرا اسقاط حق رجوع نیست، ولی مسلماً طبق قانون مسئولیت مدنی، کسی که می‌باید اطلاعیه می‌فرستاده و نفرستاده مسئول جبران خساراتی است که در اثر عدم ارسال اطلاعیه به امضاء کنندگان وارد می‌آید.

ماده ۴۶

«برات دهنده هر یک از ظهرنویسان یا هر یک از ضامنین می‌توانند با درج شرط «بدون هزینه»، «بدون اعتراض» یا هر شرط معادل دیگر در برات و امضای آن شرط دارنده برات را از اعتراض نکول و اعتراض عدم تأدیه به منظور اعمال حق رجوع معاف سازد.

این شرط دارنده برات را از ارائه برات در مهلت‌های مقرر و همچنین از دادن اطلاعیه‌های مربوط معاف نمی‌کند. ارائه دلیل عدم مراعات مهلت‌ها به عهده کسی است که بخواهد از آن علیه دارنده برات استفاده کند.

در صورتی که شرط مود بحث توسط برات‌دهنده درج شده باشد، آثار آن نسبت به همه امضاء کنندگان تسری پیدا می‌کند. اگر یکی از ظهرنویسان یا ضامنین آن را قید کرده باشد آثار مترتب بر آن فقط نسبت به

همان شخص سرایت می‌یابد. چنانچه علیرغم شرط مندرج در برات، توسط برات‌دهنده، برات اقدام به اعتراض نماید، هزینه آن را خود باید تقبل کند و اگر شرط از یکی از ظهرنویسان یا ضامنین ناشی شده باشد، در صورت وجود وخواست هزینه آن را می‌توان از کلیه امضاءکنندگان مطالبه کرد».

اگر برات یا سفته با نکول یا عدم پرداخت رو به رو شود و دارنده برات بخواهد حق مراجعه خود را نسبت به همه امضاءکنندگان اعمال کند باید وخواست نماید.

واخواست تشریفات دشوار و هزینه سنگین دارد. ولی برات‌دهنده می‌تواند هنگام صدور برات در برات قید کند دارنده تکلیفی برای وخواست ندارد.

در این صورت دارنده می‌تواند بدون وخواست حقوق خود را دریافت دارد.

ولی رد حقوق ایران چنین امری ممکن نیست. زیرا هزینه وخواست نوعی مالیات است و طرفین با توافق نمی‌توانند این حق اخذ مالیات را از دولت سلب کنند.

حتی در صورت درج این شرط باز هم دارنده مکلف به ارائه برات و مطالبه وجه است و همچنین اطلاعیه به امضاءکنندگان می‌باشد. زیرا این امور هزینه ندارد.

بدون ارائه سند، براتگیر تکلیفی به پرداخت ندارد زیرا ممکن است اصلاً مطلع نباشد یا دارنده را نشناسد و

...

از سوی دیگر ارسال اطلاعیه عدم پرداخت و نکول ضروری است.

ممکن است این شرط توسط برات‌دهنده یا یکی از ظهرنویسان درج شود.

- اگر این شرط را برات‌دهنده در برات درج کرده باشد: اثر آن نسبت به همه تسری می‌یابد.

- اگر یکی از ظهرنویسان یا ضامنین در برات شرط را درج کرده باشند: اثر آن فقط نسبت به همان فرد وجود دارد.

اگر علی‌رغم این شرط دارنده برات و اخواست نماید، هزینه لغوی انجام داده و این هزینه از جیب دارنده رفته است. ولی اگر شرط معافیت و اخواست توسط ظهرنویس قید شده باشد، در صورت پرداخت هزینه و اخواست این وجه از همه قابل مطالبه است. زیرا

- بدون پرداخت هزینه و اخواست حق رجوع به همه را ندارد.
- همه ضامنین در مقابل کل مبلغ و حتی خسارات وارده و حتی مبلغ و اخواست ضامن هستند.

ماده ۴۷

«کلیه کسانی که مبادرت به صدور، قبول، ظهرنویسی و ضمانت برات کرده‌اند متضامناً در قبال دارنده برات مسئولیت دارند. دارنده برات می‌تواند علیه کلیه این اشخاص منفرداً یا مجتمعاً اقدام نماید، بدون آنکه ملزم باشد، ترتیب تعهد آنها را از نظر زمانی رعایت کند.

همین حق را هر یک از امضاءکنندگان برات که اقدام به پرداخت کرده است دارا می‌باشد.

اقامه دعوی علیه یکی از متعهدین دارنده برات را باز نمی‌دارد از اینکه علیه سایرین اقدام نماید. حتی اگر اینان پس از کسی که علیه او اقامه دعوی شده است، متعهد شده باشند».

نظیر این ماده، ماده ۲۴۹ ق.ت ایران است. (مسئولیت تضامنی امضاءکنندگان) در حقوق ایران اصل بر مسئولیت نسب است و مسئولیت تضامنی استثناء است و نیاز به تصریح قانون دارد. در سایر موارد غیر مصرح (مثل تعدد صادرکننده) مسئولیت نسبی است.

عمل صدور برات مسئولیت تضامنی ایجاد می‌کند و اگر دو نفر صادرکننده داشته باشیم، عمل آنها صدور برات واحد است و مسئولیت آنها نسبی است.

قبول مشترکاً هم یک قبول محسوب می‌شود و هر دو قبول مشترکاً به صورت نسبی ضامن هستند.

ماده ۴۸

«دارنده برات می‌تواند از کسی که علیه وی حق رجوع خود را اعمال کرده مبالغ زیر را مطالبه کند:

- ۱) مبلغ برات قبول نشده یا تأدیه نشده به اضافه بهره‌ها در صورتی که بهره در برات قید شده باشد.
- ۲) بهره از تاریخ سررسید به ماخذ ۶ درصد.
- ۳) مخارج مربوط به واخواست و اطلاعیه‌های داده شده و سایر مخارج.

چنانچه رجوع قبل از سررسید انجام گیرد چیزی از مبلغ برات باید کسر گردد. این کاهش مبلغ بر اساس نرخ تنزیل (اسکنت) رسمی (نرخ بانک) مقرر در تاریخ مراجعه در اقامتگاه دارنده برات محاسبه می‌شود».

حدود مسئولیت تضامنی ضامنین

۱) مبلغ برات. مبلغ برات قبول نشده، دین مؤجل حال می‌شود و دارنده می‌تواند از برات‌دهنده و ظهرنویسان می‌تواند مطالبه کند.

مبلغ برات قبول شده و تأدیه نشده از برات دهنده ظهرنویس و براتگیر قابل مطالبه است.

۲) بهره قید شده در براتهای به رؤیت و به وعده از رؤیت به شرط تصریح میران آن.

۳) بهره از تاریخ سررسید با نرخ ۶٪ در سال. (این خسارت نیازی به اثبات ندارد)

۴) هزینه واخواست، اطلاعیه، سایر مخارج مثل هزینه دادرسی، حق الوکاله وکیل، هزینه کارشناسی.

اگر وجه برات زودتر پرداخت شود بایستی از آن مبلغ به میزان نرخ اسکننت کم شود. این در مورد اسناد تجاری یک قاعده است.

ماده ۴۹

«کسی که برات را پرداخت کرده است می‌تواند از اشخاصی که در مقابل او مسئول هستند مبالغ زیر را مطالبه کند:

(۱) تمامی مبلغی را که پرداخت کرده است.

(۲) بهره آن مبلغ را به مأخذ ۶٪ از تاریخی که تأدیه کرده است.

(۳) مخارجی را که تحمل کرده است.»

به غیر از بدهکار اصلی سند که در مورد برات، براتگیر است - در مورد سفته صادر کننده و در مورد چک نیز صادرکننده - اشخاصی دیگری که در این اسناد با امضای سند متعهد می‌شوند در صورت پرداخت دارنده سند می‌شوند و حق پیدا می‌کنند آنچه را که پرداخت کرده‌اند، مورد مطالبه قرار دهند.

امضاء کننده‌ای که وجه برات را پرداخت کند می‌تواند به اشخاصی که در مقابل او مسئول است رجوع کند (ایادی ماقبل) مثلاً اگر درسندی ۵ ظهرنویس داشته بشایم، دارنده سند اگر وجه سند را از ظهرنویس سوم دریافت کند، ظهرنویس سوم می‌تواند به ظهرنویس اول، ظهرنویس دوم، برات‌دهنده و براتگیر قبول‌کننده رجوع کند. ولی کسی که مدیون اصلی است، اگر پرداخت کرد، چیزی به دست نمی‌آورد که بتواند آن را مورد مطالبه قرار دهد، چون بدهکار است و با پرداخت برات، بدهی خود را پرداخته است.

چه مواردی قابل مطالبه است:

(۱) مبلغ برات

۲) خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ پرداخت به مأخذ ۶٪

۳) مخارجی که انجام داده مثل هزینه‌های بانکی، اقامه دعوی، حق الوکاله وکیل، کارشناس، ...

ماده ۵۰

«هر متعهدی که علیه وی حق رجوع اعمال شده یا در معرض آن قرار دارد که به وی رجوع می‌تواند با پرداخت وجه برات تقاضا کند که برات و واخواست‌نامه و رسید تأدیه وجه به وی داده شود.

هر ظهرنویسی که برات را پرداخت کرده است می‌توان ظهرنویس خود و ایادی ما بعد خود را باطل کند».

کسی که به وجه سند را پرداخت می‌کند اعم از آنکه برات‌گیر باشد یا هر یک از امضاءکنندگان دیگر می‌تواند پرداخت برات را موکول به گرفتن اسنادی نماید.

یکی از این اسناد خود برات است. دوم واخواست‌نامه، سوم رسید اخذ وجه.

زیرا اگر بخواهد مراجعه خود را اعمال نماید به این اسناد نیاز دارد. به علاوه ممکن است فردی سند را ارائه کند و مجدداً پرداخت آن را مطالبه نماید.

پس پرداخت می‌تواند به این دریافت این اسناد موکول است.

اگر چه در اختیار بودن سند نزد برات‌گیر یا سایر متعهدان قرینه پرداخت وجه است ولی برای پرهیز از روزه شک‌دار بایستی رسید هم مطالبه نماید.

کسی که وجه برات را پرداخت می‌کند می‌تواند ظهرنویسی خود و ایادی ما بعد را که حق رجوع به او را دارند باطل کند. زیرا اگر سند را از دست داد ایادی ما بعد نتوانند به او رجوع کنند. ایادی ما قبل هم حق رجوع به او ندارند.

ماده ۵۱

« در صورت اعمال حق رجوع پس از قبولی قسمتی از برات، کسی که اقدام به پرداخت آن قسمت از برات می‌کند که قبول نشده است، حق دارد تقاضا کند که این پرداخت در برات تصریح گردد و به او رسید تأدیه وجه نیز داده شود. علاوه بر آن دارنده برات باید به او یک رونوشت تصدیق شده برات و واخواست نامه تسلیم کند تا برای او امکان مراجعه بعدی فراهم گردد».

براتگیر از این برخوردار است که قسمتی از مبلغ برات را قبول کند و قسمتی را نکول کند. وقتی قسمتی نکول شد، برات نسبت به بخش نکول شده حال می‌شود و دارنده حق رجوع به امضاء کنندگان سند را دارد (برات‌دهنده-ظهنویس)

اگر ظهنویس مبلغ نکول شده را پرداخت نماید، نمی‌تواند اصل سند را بگیرد زیرا دارنده برای وصول مبلغ قبول شده به آن نیاز دارد.

ظهنویس می‌تواند رسید بگیرد و در اصل سند هم باید قید گردد این مبلغ توسط ظهنویس پرداخت شده و یک رونوشت مصدق از برات هم به ظهنویس داده شود تا بتواند حق رجوع خودش را اعمال کند.

ماده ۵۲

« کسی که حق رجوع دارد می‌تواند در صورت نبودن شرط مخالف اقدام به صدور برات جدید نماید (برات رجوعی) با سررسید به رؤیت به عهده یکی از متعهدین و قابل پرداخت در اقامتگاه آن متعهد.

برات رجوعی علاوه بر مبلغ مذکور در مواد ۴۸ و ۴۹ شامل حق دلالی و حق تمبر برات رجوعی نیز می‌باشد.

در صورتی که دارنده برات مبادرت به صدور برات رجوع کند مبلغ آن بر اساس نرخ برات به رؤیت صادر شده در محل صدور برات اصلی و قابل پرداخت در محل اقامت متعهد تعیین می‌شود اگر برات رجوعی توسط یکی از ظهرنویسان صادر شود، مبلغ آن بر مبنای نرخ برات به رؤیت صادر شده در محل اقامت برات‌دهنده برات رجوعی و قابل پرداخت در محل اقامت متعهد محاسبه می‌شود.

این ماده راجع به برات رجوعی است.

در قانون تجارت ما هم موادی راجع به برات رجوعی وجود دارد. معلوم می‌شود که در سال ۱۹۳۰ که این کنوانسیون‌ها به تصویب رسیده هنوز رسم صدور برات رجوعی معمول بوده. ولی در زمان ما به کلی این رسم در همه جای دنیا منسوخ شده است و برات رجوعی صادر نمی‌شود.

صادرکننده برات رجوعی دارنده برات اصلی است. این دارنده یا واقعاً دارنده برا بوده یا ظهرنویسی بوده که مبلغ برات را پرداخت کرده و جانشین دارنده اصلی شده است.

براتگیر برات رجوعی یکی از متعهدین است. مسلماً این متعهد براتگیر نیست زیرا علت صدور برات رجوعی عدم پرداخت وجه برات از سوی براتگیر است.

وقتی برات را با عدم پرداخت براتگیر رو به رو می‌شود دارنده ظهرنویس یا صادر کننده رجوع می‌کند. ممکن است ظهرنویس یا صادرکننده توانایی پرداخت نداشته باشند، در این حالت حاضرند دارنده به عهده آنها برات رجوعی صادر کند.

دارنده نیز می‌تواند با بانک صحبت کند تا بانک وجه این برات را بپردازد و با توجه به نرخ بهره بعداً پول را به بانک بپردازد.

برات رجوعی به رؤیت است. معمولاً در وجه بانک صادر می‌گردد تا پس از پرداخت وجه آن در سررسید به ظهرنویس یا صادرکننده رجوع کند و مبلغ برات را اخذ کند. مبلغ برات رجوعی شامل موارد زیر است:

- (۱) مبلغ برات اصلی
- (۲) هزینه و اخواست برات اصلی
- (۳) هزینه برات رجوعی
- (۴) کلیه هزینه‌های انجام شده (دادخواست، هزینه دادرسی، حق الوکاله وکیل)
- (۵) خسارت تأخیری تأدیه از تاریخ سررسید برات اصلی تا تاریخ صدور برات رجوعی
- (۶) حق دلالی ()

در اینجا بانک بدهکار نیست ولی وجه آن را پرداخت می‌کند، و برای این پرداخت حق دلالی می‌گیرد.

اگر محل صدور برات اصلی و محل پرداخت برات رجوعی در یک شهر واقع بوده، این حق دلالی یک نرخ دارد.

اگر محل صدور برات اصلی و محل پرداخت برات رجوعی در دو شهر بوده نرخ متفاوت بوده (کمی بیشتر بوده است) و اگر دو کشور بوده است این مبلغ باز هم بیشتر بوده است.

نرخ دلالی است که در اینجا متفاوت است ولی سایر نرخها (وجه برات، هزینه برات رجوعی، و اخواست و ...) ثابت است.

در حقوق ایران حق دلالی گفته نشده، بلکه به تفاوت نرخ اشاره شده است (بند ۴ ماده ۳۰۰ و ماده ۲۹۸) در قانون تجارت ایران توضیح داده نشده است که مقصود از این تفاوت نرخ چیست ولی با توجه کنوانسیون ژنو، معنای تفاوت نرخ کاملاً فهمیده می‌شود.

این تفاوت نرخ همان حق دلالی است.

رسم صدور برات رجوعی در زمان ما کاملاً منسوخ شده است.

ماده ۵۳

«پس از انقضای مهلت مقرر:

- برای ارائه برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت
 - جهت تنظیم اعتراض نکول یا اعتراض عدم تأدیه
 - به منظور ارائه برات جهت تأدیه در موردی که شرط مراجعه بدون مخارج در سند قید شده باشد.
- دارنده حق مراجعه خود را علیه ظهرنویسان برات‌دهنده و سایر متعهدین به استثنای براتگیر قبول‌کننده از دست می‌دهد.

در صورت عدم ارائه برات جهت قبولی در مهلت تعیین شده توسط برات‌دهنده دارنده برات حق مراجعه خود را هم جهت تأدیه و هم به منظور قبولی از دست می‌دهد مگر اینکه از عبارات شخص استنباط شود که برات‌دهنده فقط قصد داشته که خود را از تضمین قبولی معاف سازد.

اگر قید مهلت برای ارائه در ظهرنویسی درج شده باشد فقط ظهرنویس می‌تواند از آن برخوردار گردد».

همه مواردی که در آن مهلت مقرر شده است، ضمانت اجرای آن در این ماده آمده است.

قابل تغییر {	← ظرف یکسال برای وصل رجوع کند.	اگر در سررسید برات به رؤیت باشد
	← ظرف یکسال برای اخذ قبولی رجوع کند.	اگر سررسید برات به وعده از رؤیت باشد

این مهلت‌ها ممکن است قانونی یا قراردادی باشد.

اعتراض نکول

در مهلت بین تاریخ نکول و تاریخ سررسید/ در برات‌های به وعهد از رؤیت ظرف یکسال

اعتراض عدم تأدیه در برات‌های به رؤیت

یکسال از تاریخ قبولی

عمل کردن دارنده برات در خارج از این مهلت‌ها موجب می‌شود:

← دارنده برات حق مراجعه خود را به تمام امضاء کنندگان از دست می‌دهد به جز حق مراجعه به برانگیر قبول کننده که این حق باقی می‌ماند زیرا مدیون اصلی است.

اگر برات ظرف مدت مقرر برای گرفتن قبولی ارائه نشود، آیا دارنده حق مراجعه پس از سررسید را هم از دست می‌دهد یا فقط حق مراجعه قبل از سررسید را از دست می‌دهد؟

دارنده حق مراجعه را به طور کامل حتی پس از سررسید از دست می‌دهد مگر اینکه بتوان از عبارات چنین برداشت کرد که فقط حق رجوع قبل از سررسید را از دست می‌دهد.

اگر مهلت نسبت به یک ظهنویس باشد عدم رعایت آن موجب از دست دادن حق رجوع به همان ظهنویس را از دست می‌دهد.

ماده ۵۴

«در صورتی که ارائه برات یا تنظیم اعتراض در مهلت‌های مقرر به علت یک مانع غیر قابل رفع ممکن نگردد (دستور قانونی دولت یا سایر موارد فورس ماژور) این مهلت می‌توند تمدید گردد.»

دارنده برات ملزم است بدون تأخیر اطلاعیه‌ای در مورد فورس ماژور به ظهرنویس خود بدهکار و علاوه بر آن باید مفاد اطلاعیه را با قید تاریخ امضاء در برات یا پیوست آن درج کند. برای سایر موارد مقررات ماده ۴۵ قابل اجرا خواهد بود.

پس از اینکه حالت فورس ماژور خاتمه یافت دارنده برات باید بدون تأخیر برات را برای قبولی جهت تأدیه ارائه دهد و در صورت لزوم آن را وخواست نماید.

اگر فورس ماژور بیش از ۳۰ روز از تاریخ سررسید ادامه پیدا کند، حق رجوع می‌تواند اعمال شود بدون آنکه ارائه و یا وخواست ضروری باشد.

در مورد برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت مهلت ۳۰ روزه از تاریخی شروع می‌شود که دارنده برات اطلاعیه مربوط به فورس ماژور را به ظهرنویس خود داده است حتی اگر این اطلاعیه قبل از تاریخ انقضای مهلت مقرر برای ارائه داده شده باشد. در خصوص برات به وعده از رؤیت مهلت ۳۰ روزه به مهلت رؤیت مقرر در برات اضافه می‌شود.

به هیچ وجه امور کاملاً شخصی مربوط به دارنده برات یا مسائل مربوط به کسی که از طرف او مأموریت پیدا کرده که اقدام به ارائه برات و تنظیم اعتراض نماید از موارد فورس ماژور محسوب نمی‌شود.

نظری این ماده در قانون تجارت ایران وجود ندارد.

مهلت‌های مقرر بواسطه فورس ماژور قابل تمدید است ولی دارنده باید بدون فاصله اطلاعیه‌ای را به ظهرنویس خود بدهد و آن را در برات قید و امضاء کند. و پس از رفع فورس ماژور بلافاصله سند را برای قبولی یا وخواست ارائه کند.

این فصل به بحث راجع به مداخله برای قبول یا مداخله برای پرداخت وجه می‌باشد. ما دو تأسیس حقوقی برای برات داریم که عبارتند از قبولی شخص ثالث و پرداخت برات از سوی شخص ثالث.

لذا قانونگذار مواد مربوط به این دو مبحث را یکجا جمع کرده و در کنار هم آورده است. ابتدائاً کلیاتی را بیان کرده که هم شامل قبولی شخص است و هم پرداخت توسط شخص ثالث.

این دخالت به دو طریق ممکن است رخ دهد اول اینکه این موضوع در خود برات مشخص شده باشد. برات‌دهنده یا هر یک از ضامنین یا ظهرنویسان می‌تواند شخص ثالثی را برای قبولی یا پرداخت وجه معرفی نماید.

دوم اینکه شخص ثالث به میل خود این مداخله را صورت دهد. و در برات مداخله او پیش‌بینی نشده. این مداخله کننده لازم نیست حتماً شخص ثالث باشد و یکی از امضاء کنندگان می‌تواند به عنوان ثالث برات را قبول کند یا وجه را پردازد به جز براتگیر قبول‌کننده. قبولی براتگیر به معنای اقرار به مدیون بودن است و پرداخت وی یعنی پرداخت دین خودش.

شخص ثالث باید به محض پرداخت اطلاعیه‌ای را ارسال نماید در غیر این صورت مسئول خسارات و اراده خواهد بود. این خسارت در هر حال نمی‌تواند بیش از مبلغ مندرج در برات باشد.

۲. قبولی برات به وسیله شخص ثالث

ماده ۵۶

«در تمامی مواردی که قبل از سررسید دارنده برات در مورد براتی که می‌تواند مورد قبول قرار گیرد حق رجوع دارد، شخص ثالث می‌تواند مداخله و آن را قبول کند.

هر گاه در برات نام شخصی قید شده که آن را قبول و یا عند اللزوم در مکان تأدیه پرداخت کند. دارنده برات نمی‌تواند قبل از سررسید حق مراجعه خود را علیه شخصی که قید دخالت ثالث را کرده همچنین علیه امضاءکنندگان بعدی او اعمال کند مگر آنکه برات را به آن شخص ارائه کرده و او از قبول برات خودداری ورزیده و این امتناع با اعتراض تسجیل شده باشد.

در موارد دیگر دخالت شخص ثالث دارنده برات می‌تواند قبولی شخص ثالث را رد کند. با این وصف اگر این قبولی را بپذیرد حق مراجعه خود را قبل از سررسید علیه کسی که به نفع او مداخله صورت گرفته و همچنین علیه ایادی ما بعد او از دست می‌دهد.

دارنده برات در مواردی که قانون یکنواخت ژنو معین کرده می‌تواند قبل از سررسید مراجعه کند و وجه برات را مورد مطالبه قرار دهد. از آن جمله موارد نکول برات است. با نکول برات، دین مؤجل به دین حال تبدیل می‌شود.

در مواردی که برات دهنده حق مراجعه به امضاءکنندگان و ظهرنویسان را دارد ممکن است شخص ثالثی مداخله کند و برات را قبول کند. قبولی شخص ثالث موجب مرتفع شدن نگرانی دارنده برات می‌شود. در این جا باید قائل به تفکیک بود:

اگر قبولی شخص ثالث در برات پیش‌بینی شده باشد، دارنده حتماً باید به شخص ثالث تعیین شده رجوع کند و اگر شخص ثالث برات را قبول کند، دارنده باید تا سررسید صبر کند.

اگر چه برات توسط براتگیر نکول شده و قاعدتاً باید دین مؤجل حال شود ولی قبل از رجوع به شخص ثالث دین مؤجل حال نمی‌شود. زیرا دارنده باید به کلیه مندرجات برات از جمله رجوع به شخص ثالث مراجعه

ولی اگر شخص ثالث به ابتکار خود برات را قبول کند یعنی دخالت او در برات پیش‌بینی نشده باشد، در اینجا دارنده برات می‌تواند دخالت شخص ثالث را قبول کند یا قبول نکند.

اگر دارنده مداخله شخص ثالث را قبول نکرد دین مؤجل حال می‌شود. دارنده الزامی به قبول دین مداخله ندارد.

ماده ۵۷

«قبولی شخص ثالث در برات قید می‌شود. قبولی شخص ثالث امضاء می‌شود دو تصریح می‌گردد که به نفع چه کسی قبولی صورت گرفته است. در صورت نبودن این تصریح فرض می‌شود که قبولی به نفع برات‌دهنده تحقق یافته است».

در قانون ما قبولی در اعتراض نام قید می‌شود. قانون ژنو در این مورد بهتر است زیرا تعهدات مربوط به سند باید خود سند صورت گیرد.

تعیین کسی که به نفع او برات قبول شده ضروری است، زیرا در حقوق افراد تأثیر دارد. ولی اگر تعیین نشد، قانونگذار فرض می‌کند ثالث قبول‌کننده به نفع برات‌دهنده برات را قبول کرده است. با این تلقی تعداد زیادتری برئ‌الذمه می‌شوند. چون شخص ثالث در صورت پرداخت فقط می‌تواند به برات‌دهنده رجوع کند و حق مراجعه به ظهرنویسان را ندارد (وقتی که تصریح نکند)

ماده ۵۸

«شخص ثالث قبول‌کننده در قبال دارنده برات و همچنین در قبال ظهرنویسان ما بعد شخصی که به نفع او قبولی صورت گرفته، به همان گونه که آن شخص مسئول است. مسئول می‌باشد».

علیرغم قبولی شخص ثالث کسی که به نفع او قبولی روی داده و ضامنین او می‌توانند، با پرداخت مبلغ مذکور د رماده ۴۸ بخواهند، که برات و اعتراض‌نامه و یک صورتحساب در صورتی که باشد به آنان داده شود».

این شخص ثالث که برات را قبول می‌کند هم در قبال دارنده برات و هم در مقابل ایاد مابعد شخصی که به نفع او قبولی نوشته مسئول خواهد بود.

اگر ثالث به نفع ظهنویس سوم سند را قبول کرد باشد، در مقابل دارنده و ظهنویس ۴ و ۵ مسئول خواهد بود ولی در مقابل ظهنویس ۱ و ۲ و ۳ و برات‌دهنده مسئول نیست.

هر یک از ضامنین و مسئولین می‌توانند علیرغم قبولی ثالث به دارنده رجوع کند و با اخذ سند و رسید و صورتحساب و ... وجه برات را بپردازد تا بتواند از حق رجوع خود استفاده کند.

۳- پرداخت برات به وسیله شخص ثالث

ماده ۵۹

«در کلیه مواردی که در سررسید یا قبل از سررسید دارنده برات حق مراجعه دارد شخص ثالث می‌تواند برات را تأدیه کند.

پرداخت باید شامل کل مبلغی باشد که متعهدی که شخص ثالث به نفع او مداخله می‌کندباید بپردازد.

دخالت شخص ثالث جهت تأدیه برات باید حداکثر تا فردای آخرین روزی که جهت اعتراض عدم تأدیه مقرر شده صورت گیرد».

در هر مورد یکه دارنده حق مراجعه دارد (قبل از سررسید یا در سررسید) شخص ثالث می‌تواند اقدام به پرداخت کند. ولی این پرداخت باید نسبت به کل مبلغ باشد. در حالیکه براتگیر می‌تواند بخشی از مبلغ را نپردازد.

آخرین مهلت پرداخت توسط شخص ثالث فردای روزی است که جهت اعتراض مقرر شده. مهلت‌ها در اسناد تجاری مضیق است زیرا باید هر چه زودتر تکلیف سند مشخص شود و افرادی که سند را امضاء کرده‌اند از هول و ولا خارج شوند.

ماده ۶۰

«در صورتی که برات توسط اشخاص ثالث معین در مکان پرداخت قبول شده باشد یا اگر اشخاص معین در محل پرداخت نامشان در برات قید شده که در صورت ضرورت اقدام به تأدیه برات نمایند دارنده برات باید برات را به همه این اشخاص ارائه کند و عندالاقضاء حداکثر تا فردای آخرین روزی که برای اعتراض تعیین شده است مبادرت به اعتراض عدم تأدیه نماید.

چنانچه در این مهلت اعتراض عدم تأدیه به عمل نیاید کسی که نام شخص ثالث را در برات قید کرده که در صورت لزوم به او مراجعه شود یا کسی که به نفع او برات قبول شده و همچنین ظهرنویسان مابعد او دیگر مسئول نمی‌باشند».

شخص ثالثی که نام او در برات قید شده، باید وجه برات را بپردازد، برات باید به او ارائه شود ولی ممکن است آن شخص در آن محل (محل تأدیه) اقامت نداشته باشد. اگر در شهر دیگری اقامت داشته باشد تکلیف دارنده برات در ارائه سند به شخص ثالث تعیین شده تکلیفی شاقی است، لذا این تکلیف در صورتی بر دارنده برات تحمیل می‌شود که شخص ثالث در همان شهر محل تأدیه اقامت داشته باشد.

دارند برات باید در مهلت مقرر اعتراض کند وگرنه حق رجوع به معرفی کننده شخص ثالث و کسی که به نفع او قبول شده وایادی ما بعد او را ندارد.

ماده ۶۱

«دارنده براتی که پرداخت برات وسیله شخص ثالث را رد می کند حق مراجعه خود را علیه کسانی که با دخالت آن شخص بری الذمه می شوند از دست می دهد».

دارنده برات نفع مشروعش در این است که وجه برات را مطالبه کند. اینکه چه کسی پرداخت می کند نباید برای او مهم باشد. لذا در صورت پیشنهاد شخص ثالث برای تأدیه باید بپذیرد.

و اگر نپذیرد حق مراجعه به اشخاصی را که با دخالت ثالث بری الذمه می شوند از دست می دهد.

ماده ۶۲

«پرداخت برات وسیله شخص ثالث باید با رسید مندرج در برات با قید نام شخصی که به نفع او پرداخت صورت گرفته تسجیل شود در صورت عدم چنین قید فرض می شود که برات به نفع برات دهندگان تأدیه شده.

برات و اعتراض نامه چنانچه اعتراض صورت گرفته شده باید به شخص ثالث پرداخت کننده تسلیم شود».

شخص ثالث پرداخت کننده دارنده سند محسوب می شود و می تواند آنچه را پرداخت کرده مورد مطالبه قرار دهد و باید رسید داشته باشد و رسید در خود برات مندرج شود.

شخص ثالث پرداخت کننده باید اصل برات که رسید در آن ذکر شده و اعتراض نامه و ... را گیرد تا بتواند حق رجوع خود را عمال کند.

ماده ۶۳

«شخص ثالث پرداخت کننده حقوق ناشی از برات را علیه کسی که به نفع او تأدیه صورت گرفته و همچنین علیه کسانی که در قبال شخص اخیر الذکر مسئول هستند به دست می‌آورد. با این وصف او حق ندارد به نوبه خود چنین براتی را ظهرنویسی کند.

ظهرنویسانی که پس از شخص ی که به نفع او پرداخت صورت گرفته برات را امضاء کرده‌اند برئ‌الذمه می‌شوند.

در صورت رقابت چندین نفر برای پرداخت به عنوان شخص ثالث، پیشنهاد کسی که با دخالت او عده بیشتری برئ‌الذمه می‌شوند، پذیرفته می‌شود. شخصی که با علم و اطلاع مخالف این قاعده دخالت کن، حق مراجعه خود را علیه کسانی که در صورت اعمال آن قاعده برئ‌الذمه می‌شوند از دست می‌دهد.

این ماده راجع به حقوق شخص ثالث است. شخص ثالث پرداخت‌کننده دارند سند می‌شود و حق رجوع پیدا می‌کند و این حق رجوع را می‌تواند علیه کسی که به نفع او پرداخت صورت گرفته و همچنین و به کلیه اشخاصی که در مقابل او مسئول هستند به دست آورد.

اگر شخص ثالثی به نفع ظهرنویس سوم پرداخت کرده حق رجوع به ظهرنویس ۱ و ۲ و ۳ و برات‌دهنده را دارد. زیرا ظهرنویس سوم حق رجوع به ظهرنویس ۱ و ۲ و برات‌دهنده را دارد و ثالث جانشین او می‌شود. ثالث حق ظهرنویسی را ندارد زیرا وجه سند پرداخت شه و عمر سند پایان یافته است.

ثالث فقط می‌تواند وجه سند را مطالبه کند. با این کار ظهرنویس ۴ و ۵ برئ‌الذمه می‌شوند. در اسناد تجاری اشخاص مختلف تحت عناوین مختلف دارای مسئولیت هستند. براتگیر در سررسید پرداخت نمی‌کند.

ممکن است چند شخص ثالث اعلام داوطلبی کنند برای پرداخت وجه برات. در اینجا دارنده باید پیشنهاد ثالثی را بپذیرد که با پرداخت برات توسط او عده زیادتری از مسئولین برئ الذمه شوند.

مثلاً اگر یکی از اشخاص ثالث به نفع برات‌دهنده می‌پردازد باید در خواست او را بپذیرد. زیرا همه ظهرونی‌ها را برئ‌الذمه می‌کند.

همین قاعده در حقوق ما هم در ماده ۲۷۳ ق.ت بیان شده‌است.

این قاعده در همه جا اعمال می‌شود. از جمله وقتی ضامن مضموناً عنه را مشخص نکرده یا ثالث تعیین نکرده به نفع چه کسی قبولی انجام داده و ... یعنی در چنین موارد مضمون عنه برات‌دهنده محسوب می‌شود که بیشترین افراد را برئ‌الذمه می‌کند.

البته در صورتی شخص ثالث از پیشنهاد سایر افراد مطلع باشد حق رجوع به سایرین را از دست می‌دهد، و الا فلا.

فصل نهم: در تعدد نسخ و کپی‌ها

ماده ۶۴

«برات ممکن است در چندین نسخه مشابه صادر شود.

این نسخ باید در خود برات دارای نمره ترتیبی باشند. در غیر این صورت هر کدام از آنها به منزله برات مستقل شناخته می‌شود.

هر کس براتی در اختیار دارد که در آن قید نشده که در یک نسخه واحد صادر شده است می‌تواند به هزینه خود صدور چندین نسخه را تقاضا کند. در این صورت باید به ظهرونی‌ها ما قبل خود مراجعه کند و

شخص اخیرالذکر موظف است او را در مواجهه با ظهرنویس خود کمک کند و به همین ترتیب عمل شود تا برسد به برات‌دهنده. ظهرنویسان ملزمند که ظهرنویسی‌های خود را در نسخ جدید تجدید کنند».

صدور برات در یک نسخ واحد این عیب بزرگ را دارد که اگر آن نسخه گم شود یا به نحوی از انحاء از دسترس دارنده خارج شود، دارنده سند کلیه حقوق خود را در معرض تضییع می‌بیند. لذا این امکان وجود دارد که برات در بیش از یک نسخ تنظیم شود.

اگر در بیش از یک نسخه تنظیم شد باید شرطی رعایت شود. و آن اینکه روی هر نسخه شماره ترتیبی آن نسخه قید شود (۱ و ۲ و ..) در غیر این صورت هر کدام از نسخ یک برات مستقل محسوب می‌شود.

در ق.ت ایران هم آمده که باید تصریح شود برات نسخه چندم است، تا هر نسخه به عنوان یک برات مستقل تلقی نشود.

مسلماً این شرط مربوط به وقتی است که برات در نسخ متعدد صادر شده باشد. وگرنه اگر برات در نسخه واحد صادر شود رعایت این شرط لزومی ندارد.

اگر کسی براتی در دست دارد که روی آن نوشته نشده در یک نسخه صادر شده، می‌تواند مراجعه کند و مطالبه نسخ دیگری نماید.

دارنده باید به ظهرنویس خود مراجعه کند و ظهرنویس هم او را کمک کند تا به صادرکننده برسد. نسخ برات هم توسط صادرکننده صادر می‌شود.

و سپس توسط سایر ظهرنویسان و ضامین (مثل برات نسخه اول) امضاء می‌شود.

ماده ۶۵

«پرداخت برات بر مبنای یکی نسخ موجب براءت ذمه می‌شود. هر چند که در آن نسخه قید نشده باشد که این پرداخت اثر مترتب بر سایر نسخ را باطل می‌کند با این حال براتگیر در مورد هر نسخه‌ای که قبول کرده است ولی نتوانسته آن را مسترد کند متعهد باقی می‌ماند.

ظهنویسی که نسخ برات را به افراد مختلف با ظهنویسی انتقال داده است همچنین ظهنویسان لاحق او در مورد نسخی که امضای آنها را دارد و نتوانسته آن نسخ را مسترد کنند متعهد می‌باشند».

براتی که در نسخ متعدد صادر می‌شود خالی از خطر نیست. پرداخت با ارائه یکی از نسخ صورت می‌گیرد. پرداخت کننده روی یک نسخه، احتیاط حکم می‌کند که بقیه نسخ را هم دریافت کند. ممکن است بعداً به موجب نسخ دیگر مورد مطالبه قرار گیرد.

اگر چه پرداخت به موجب یک نسخه موجب براءت است ولی تکلیف سایر نسخ چیست؟ ممکن است یکی نسخه دیگر توسط برخی افراد ظهنویسی شده باشد.

برایت که در چند نسخه صادر شده ممکن است دارای چند دارنده باشد. هر نسخه در اختیار یک نفر باشد. براتگیر قبول کننده باید کلیه نسخ را بگیرد و قبول کند. زیرا اگر به موجب یک نسخه پرداخت کند و قبولی او روی سایر نسخ هم باشد می‌تواند دوباره مورد رجوع قرار گیرد.

وضعیت ظهنویسان متفاوت است. ظهنویس با پرداخت وجه برات در برابر یک نسخه، نسبت به کلیه نسخ برئ الذمه می‌شود.

اگر ظهنویس هر نسخه را به نام یک نفر ظهنویسی کند نسبت به هر نسخه‌ای که مسترد نموده ضامن است. همین طور است وضع ظهنویسان لاحق در مقابل هر نسخه‌ای که امضاء نموده‌اند.

ماده ۶۶

«کسی که یکی از نسخ را جهت قبولی ارسال می‌دارد باید در سایر نسخ نام شخصی را که آن نسخه نزداو قرار دارد قید کند. شخص اخیرالذکر موظف است که آن نسخه قبول نشده را به دارنده قانونی نسخه دیگر تسلیم کند.

اگر این شخص از تسلیم نسخه مزبور امتناع کند دارنده (واقعی) برات نمی‌تواند حق مراجعه خود را اعمال کند مگر اینکه با اعتراض مسجل سازد:

(۱) نسخه ارسال شده جهت قبولی با وجود مطالبه او مسترد نشده است.

(۲) قبولی یا پرداخت در مورد سایر نسخ انجام نگرفته است.»

کسی که برات را برای قبولی ارائه می‌کند ممکن است دارنده واقعی نباشد. در این صورت بایدنسخ قبول دشه را به دارنده واقعی تسلیم کند

در یاران هم فرمهای چاپ شده برات فقط یک نسخه دارد. زیرا صدور نسخ متعدد اسناد تجاری داری مسائل و مشکلات زیادی است.

کپی‌ها (رونوشت‌ها)

ماده ۶۷

«هر دارنده برات می‌تواند از برات هر چند کپی که بخواهد تهیه کند.

رونوشت باید دقیقاً منعکس‌کننده اصل برات و ظهرنویسی‌ها و تمام مندرجات دیگر رات باشد و در آن باید تصریح شود که کجا رونوشت خاتمه پیدا می‌کند.

کپی می‌تواند همانند برات اصلی و با همان آثار مورد ظهنویسی و ضمانت قرار گیرد».

مراجعه به صادر کننده سند و تقاضا به صدور نسخ دیگر کاری اس پر زحمت و اساساً چه بسا صادر کننده زیر بار این کار نرود. و برای الزام او بایستی به دادگاه مراجعه شود. و در موارد متعدد دارنده باین زحمات را متحمل نمی‌شود. و از نسخه‌ای که دارد کپی می‌گیرد. (پشت و روی سند)

و روی کپی سند باید مشخص کند، آخرین مندرجات آن این است.

کپی هم می‌تواند مثل خود برات مورد ظهنویسی و ضمانت قرار گیرد. دارنده ممکن است به جای اینکه سند را حمل و نقل کند تا قبولی بگیرد و ...، از کپی سند برای ظهنویسی، قبولی و ... استفاده کند تا مطمئن شود اصل سند را از دست نمی‌دهد.

ماده ۶۸

«رونوشت باید حاوی نام دارنده برات اصلی باشد. شخص اخیر الذکر موظف است برات اصلی را به دارنده قانونی رونوشت تسلیم کند.

چنانچه نامبرده از تسلیم آن امتناع کند، دارنده نمی‌تواند حق رجوع خود را علیه اشخاصی که در رونوشت ظهنویسی یا ضمانت کرده‌اند اعمال کند، مگر اینکه با اعتراض تسجیل کند که اصل برات با وجودی که تقاضا کرده به او مسترد نشده است.

اگر برات اصلی پس از آخرین ظهنویسی انجام گرفته در آن قبل از صدور رونوشت، متضمن شرط «از این تاریخ ظهنویسی وقتی معتبر است که در رونوشت باشد» یا متضمن هر عبارت معادل دیگر باشد، ظهنویسی صورت گرفته در برات اصلی باطل می‌باشد».

در رونوشت باید نام دارنده برات اصلی قید شده باشد. و کسی که برات اصلی را در اختیار دارد باید برات اصلی را به دارنده قانونی رونوشت تسلیم کند.

معمولاً دارنده رونوشت و دارنده برات اصلی یک نفر است. به هر علتی برات اصلی در اختیار دارنده رونوشت نباشد باید برات اصلی را به دارنده رونوشت مسترد نماید.

اگر چنین نباشد، دارنده رونوشت حق رجوع خود را از دست می‌دهد مگر اینکه با اعتراض ثابت نماید که برات اصلی را مطالبه کرده است.

اگر در برات شرط شده باشد که ظهنویسی در برات اصلی ممنوع، ظهنویسی فقط در رونوشت معتبر است.

فصل دهم: در تغییرات

ماده ۶۹

«در صورت تغییر در متن برات اصلی، امضاءکنندگان پس از این تغییر، مطابق متن تغییر یافته و امضاء کنند»
قبل از تغییر بر اساس متن اصلی مسئول‌اند»

این تغییر ممکن است در مورد مبلغ باشد، یا در مورد محل تأدیه...

در اینجا تغییرات و ظهنویسی باید همراه باید تراخی باشد تا اعمال این ماده ممکن باشد.

تغییر به هر شکلی مجاز است زیرا به حقوق امضاء کنندگان سابق لطمه نمی‌زند و مسئولیت‌ها و تکالیف آنها را افزایش نمی‌دهد.

فصل یازدهم: در مرور زمان

ماده ۷۰

«کلیه دعاوی ناشی از برات علیه براتگیر قبول‌کننده بعد از سه سال از تاریخ سررسید مشمول مرور زمان می‌شود.

دعاوی دارنده برات علیه ظهرنویسان و علیه برات‌دهنده پس از یک سال از تاریخ اعتراض تنظیم یافته در مهلت مقرر یا از تاریخ سررسید در مورد شرط مراجعه بدون مخارج مشمول مرور زمان می‌شود

دعاوی ظهرنویسان علیه یکدیگر و علیه برات‌دهنده بعد از شش ماه از روزی که ظهرنویس مبلغ برات را پرداخت کرده یا از روزی که علیه او دعوی به عمل آمده مشمول مرور زمان می‌شود».

سه نوع مرور زمان پیش‌بینی شده:

- سه ساله علیه برات‌گیر قبول‌کننده
- یکساله علیه برات‌دهنده و ظهرنویسان
- شش ماهه: ظهرنویسان علیه یکدیگر و برات‌دهنده

ماده ۷۱

قطع مرور زمان نسبت به شخصی مؤثر است که در مورد او مرور زمان قطع شده است».

فصل دوازدهم: مقررات کلی

ماده ۷۲

«پرداخت براتی که سررسید آن مصادف است با روز تعطیل قانونی نمی‌تواند مورد مطالبه قرار گیرد مگر نخستین روز غیر تعطیلی متعاقب آن. همچنین تمام اقدامات راجع به برات مخصوصاً ارائه آن جهت گرفتن قبولی و اعتراض نمی‌تواند انجام گیرد مگر در روز غیر تعطیلی.

هر گاه یکی از اقدامات لازم در ظرف مهلتی باید صورت گیرد که آخرین روز آن مصادف است با یک روز تعطیلی این مهلت تا اولین روز غیر تعطیلی متعاقب آن انقضای مهلت تمدید می‌شود. روزهای تعطیلی داخل در مهلت در محاسبه منظور می‌شود».

ماده ۷۳

«مواعد قانونی و یا قراردادی شامل روز مبدأ نمی‌شود».

ماده ۷۴

«اعطای هیچ مهلت اضافی اعم از قانونی یا قضایی ممکن نیست».

در امور مدنی محکمه می‌تواند نحوه پرداخت را بسیط نماید و یا مهلت قرار دهد ولی در امور تجاری چنین امری ممکن است.

مقررات سفته هم مثل برات است جز در مواردی که با طبیعت سفته ناسازگار است.

در خصوص روز اقدام، این روز جزء روز مهلت محسوب می‌شود. (بر خلاف ق.آ.د ایران)